

آذربایجان

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

دوره پنجم شماره ۹۰ اردوبهشت ۱۳۹۱

فرخنده باد اول ماه مه روز همبستگی کارگران سراسر جهان
کارگران وزحمتکشان مبارز!

روز یازده اردیبهشت مصادف است با روز جهانی کارگر. کارگران جهان از آن جمله کارگران و زحمتکشان کشورمان هر ساله و در هر شرایط ممکن، این روز را پاس و گرامی میدارند. حاکمان مستبد و غارتگر صدای اتحاد کارگران و دیگر مزدبگیران را با منافع و بقای خود در تضاد کامل می بینند. به همین خاطر با هر ترفندی از جمله سرکوب خشن و دستگیری و زندانی کردن کارگران آگاه و مبارز، تلاش میکنند تا جلوی چنین اتحادی را بگیرند. تاریخ معاصر ایران گواه و شاهد دهها نمونه تلخ و خونین چنین حرکتی است. اما در دل این مبارزات است که طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان علیرغم هزینه های سنگینی که می پردازند، آبدیده تر و آگاهتر به حقوق واقعی خود می شوند و با گام های استوارتر و سازمان یافته تر بر علیه استثمار و استبداد به مبارزه بر می خیزند.

ادامه در ص ۴

برگزاری پلنوم نوبتی فرقه دموکرات آذربایجان

پلنوم نوبتی فرقه دموکرات آذربایجان با اهداف زیر برگزار شد:
1- بررسی گزارش هیئت اجراییه در باره مهمترین حوادث ایران و جهان حد فاصل دو پلنوم
2- نقد و بررسی عملکرد فعالیت تشکیلاتی و تبلیغاتی هیئت اجراییه
3- قطعنامه پایانی

پلنوم در فضایی صمیمانه و عزم مشترک شرکت کنندگان برای تداوم مبارزه در راه آزادی و دموکراسی کشور و تامین حقوق خلق های ایران از آن جمله خلق غیور آذربایجان در موقع مقرر تشکیل شد. ابتدا رفیق امیر علی لاهردی صدر فرقه دموکرات آذربایجان، ضمن خوش آمد گویی به حاضرین، گزارش سیاسی هیئت اجراییه که مهمترین رخدادهای ایران و جهان (حد فاصل دو پلنوم) را در بر می گرفت، به اطلاع شرکت کنندگان پلنوم رساند. شرکت کنندگان در پلنوم با نقد و بررسی و با تغییراتی جزئی و تکمیلی گزارش سیاسی هیئت اجراییه را به اتفاق آرا تائید کردند.

صدر فرقه دموکرات آذربایجان گزارش مشروحی از عملکرد تشکیلاتی و تبلیغاتی بین دو پلنوم را به اطلاع شرکت کنندگان رساند. بنا بر این گزارش گرایش به فرقه دموکرات آذربایجان در داخل و خارج از کشور نسبت به گذشته رشد چشم گیری داشته است. طبق همین گزارش این گرایش در میان مهاجرین به خصوص نسل سومی ها بخوبی مشهود است. فرزندان و نوادگان فرقه ای ها در مهاجرت با گرویدن به تشکیلات، فرقه ادامه دهندگان راه پدران و پدر بزرگ های خود هستند.

رفیق لاهردی در ادامه گزارشی از عملکرد تبلیغاتی و نشریاتی فرقه را به پلنوم ارائه داد. طبق این گزارش گفته شد علیرغم تمام مشکلات فنی و مالی که در راه کارهای نشریاتی و تبلیغاتی داشته ایم، نشریه آذربایجان ارگان کمیته مرکزی فرقه بطور مرتب و منظم چاپ و مهمترین رویدادهای ایران و جهان را با انتشار بیانیه، اطلاعیه و مقالات زیر پوشش قرار داده و نظرات فرقه دموکرات آذربایجان را به اطلاع همگان رسانده است. در ارگان فرقه حوادث و رویدادهای آذربایجان از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است. همچنین سایت فرقه دموکرات آذربایجان در این مدت فعال عمل کرده و در میان ایرانیان داخل و خارج، بخصوص آذربایجانی ها بازدید کنندگان قابل چشمگیری یافته است. صدر فرقه اضافه کرد که در صدد راه اندازی رادیوی اینترنتی فرقه هستیم که کارهای مقدماتی آن صورت گرفته است و هم اکنون به شکل آزمایشی آغاز به کار کرده است.

این گزارش مورد تشویق و تائید شرکت کنندگان قرار گرفت. پلنوم با توصیه صدر فرقه و دیگر اعضای هیئت اجراییه، خواستار آن شد تا عده از فعالین و کادرها به ترکیب کمیته مرکزی افزوده شود. پلنوم به اتفاق آرا به این پیشنهاد رای مثبت داد. پلنوم همچنین چند نفر از اعضای جدید کمیته مرکزی را به هیئت اجراییه انتخاب نمود.

پلنوم در پایان ضمن آرزوی موفقیت و پیروزی برای فرقه دموکرات آذربایجان با قطعنامه ای به کار خود پایان داد.

دبیرخانه کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان
شانزدهم اردیبهشت ۱۳۹۱

در گذشت پرویز شهریاری دانشمندی برجسته و
مبارزی متعهد.

پرویز شهریاری یکی از چهره های کم نظیر علمی و فرهنگی و سیاسی ایران در سحرگاه ۲۲ اردیبهشت سال جاری در سن ۸۶ سالگی در بیمارستان جم تهران در گذشت.

ادامه در ص ۳

در این شماره

۲ ص	تحلیل هیئت اجراییه...
۳ ص	قطعنامه پلنوم...
۳ ص	در گذشت پرویز شهریاری...
۴ ص	فرخنده باد...
۵ ص	فراز و فرودهای...
۷ ص	جهان در اول ماه مه...
۸ ص	دموکراسی در اروپا...
۹ ص	نگاهی به تحولات سیاسی...
۱۰ ص	مملکت را از گرانی...
۱۱ ص	اعلامیه رادیو فرقه...
۱۱ ص	گرانی ۳۵ درصدی...
۱۲ ص	دور دوم انتخابات...
۱۳ ص	افزایش نرخ بیکاری...
۱۴ ص	ما نود و نه درصد هستیم...
۱۵ ص	نهم ماه مه روز پیروزی...
۱۵ ص	عارف صفا شعر...
۱۶ ص	با وعظ و موعظه...

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

تحلیل هیئت اجراییه فرقه دمکرات آذربایجان در باره حوادث ایران و جهان

است. در نتیجه ۵۰۰ صد جوانان بیکار هستند. حقوق شاغلین در سطح پایین قرار دارد. حد اقل حقوق ها زیر خط فقر است. بخش بزرگی از جوانان در فقر و ناکامی به سر می برند. تعداد کودکان ولگرد به طور دائم در حال افزایش است. شهروندان کشور ایران نه تنها تحت فشار مشکلات اقتصادی هستند، علاوه بر این در معرض فشارهای سیاسی قرار دارند. ارگان های حاکم برای حفظ حاکمیت خود از روش های سرکوب سیاسی در مقیاس گسترده استفاده می کنند. آزادیهای بیان، قلم، گردهمایی، فعالیت تشکلهای و سازمان ممنوع شده است. در یک کلام بر کشور ایران که دارای تمدن بزرگی است و در مقیاس تاریخی یکی از مراکز تمدن دنیا است، دیکتاتوری تمام عیار حکومت می کند. کشور با قوانین قرون وسطایی اداره می شود. زنان که نیمی از جامعه را تشکیل می دهند، از حقوق انسانی محروم گردیده اند و زن به موجودی بی حقوق تبدیل شده است.

فرقه دمکرات آذربایجان با سازمانهایی که در راه برقراری یک نظام دمکراتیک در کشور مبارزه می کنند، هم رای است. در کشور چند ملیتی ایران ضمن برقراری آزادی و دمکراسی باید حق تعیین سرنوشت ملتها به رسمیت شناخته شود. نظام حکومتی ایران باید به یک دولت فدرال تبدیل شود. خلقهای ساکن ایران باید حق شرکت در اداره منطقه مسکونی خود را به دست آورند. و باید از حق تحصیل به زبان مادری و شرایط مناسب برای رشد فرهنگی ملی خود بر خوردار باشند.

آذربایجان در مبارزاتی که ابتدای قرن بیستم برای تبدیل ایران به یک کشور دمکراتیک آغاز گردید شرکت تعیین کننده داشت. و نقش ویژه ای در سرنوشتی سلطنت مطلقه و استقرار قوانین مشروطه برای اداره کشور ایفا نمود. جنبش ستارخان، قیام شیخ محمد خیابانی و نهضت پیشه وری در مبارزه برای آزادی ایران نقش ویژه خود را داشته اند.

در مبارزه علیه دیکتاتوری تمام خلقهای ساکن ایران شرکت داشتند. پیروزی در این مبارزه به دمکراتیک شدن کشور ایران منتهی خواهد گردید. مبارزه برای دمکراسی تنها یک مبارزه سیاسی نیست، بلکه در عین حال مبارزه ای است برای دستیابی به عدالت اجتماعی.

فرقه دمکرات آذربایجان مثل همیشه باز هم یکی از سازمانهایی است که در این مبارزه شرکت دارد. طی سالهای مهاجرت که فرقه دمکرات آذربایجان در حفظ و نگهداری خود کوشا بود، صفوف آن با نسلهای دوم و سوم جایگزین می شود. ارگان مرکزی فرقه به شکل ماهیانه منتشر می گردد و در سبایت فرقه نیز درج می شود. کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان از دیماه ۱۳۸۲ (ژانویه ۲۰۰۴) سایت خود را تاسیس نمود و بدین وسیله نقش خود در مبارزات خلقهای ایران را ایفا می کند و خط و مشی سیاسی خود را به طرفداران خود و دیگر خوانندگان ارائه می دهد. سایت فرقه هم در اروپا و آمریکا و هم در ایران و از جمله در آذربایجان گروه بزرگی از خوانندگان را به خود جلب نموده است. فرقه ما مثل همیشه باز هم خط مشی سیاسی خود را در میان مردم منتشر می کند و این عمل همیشه ادامه خواهد داشت.

بحران اقتصادی کشورهای جهان را در چنگ خود گرفته است. آمریکا، قدرتمندترین دولت جهان هم با بحران اقتصادی و هم با بحران سیاسی دست به گریبان است. این بحران، اروپای غربی را نیز به هم ریخته است. این بحران در وهله اول وضعیت شهروندان کشورهای رشد یافته را دشوار کرده است. امتیازاتی که آنها در نتیجه سالهای طولانی مبارزه به دست آورده بودند، لغو می گردد. حقوق بازنشستگی و دستمزدها کاهش می یابد. بیکاری به طور دائمی در حال افزایش است. بخش بزرگی از جوانان به اردوی بیکاران می پیوندند. بحران اقتصادی نه تنها عمیق تر می شود، بلکه باز هم مقیاس گسترده تری می یابد و تمام کشورهای جهان را احاطه می کند.

آمریکا سرکرده امپریالیسم جهانی برای حفظ و نگهداری حکمرانی خود بر جهان از شیوه های مختلفی استفاده می کند و از انجام عملیات نظامی علیه کشورهایی که در برابر آمریکا سر تعظیم فرود نمی آورند، نمی گذرد. تلاش می کند در اروپا سیستم دفاع موشکی مستقر نماید و بدین ترتیب در مناسبات با روسیه نارضایتی به وجود می آید.

در میان کشورهایی که سر تعظیم در مقابل آمریکا فرود نمی آورد، دولت ایران نیز موقعیت مخصوص خود را دارد. دولت ایران پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ (فوریه ۱۹۷۹) روابط دیپلماتیک با آمریکا را قطع کرد. بیش از سی سال است که مناسبات میان دو دولت در حالت وخیمی باقی مانده است. بدین ترتیب احتمال جنگ میان دو کشور حالت اجتناب نا پذیری به خود می گیرد. آمریکا چگونگی استفاده ایران از انرژی اتمی را رد می کند و در همین ارتباط تمایل خود به آغاز عملیات نظامی علیه ایران را اعلام می کند. بنا بر این آمریکا و اسرائیل خود را همانند آفرینندگان کانون جنگ در خاورمیانه نشان می دهند. اگر چنین جنگی آغاز شود، منطقه با فاجعه بزرگی مواجه خواهد گردید.

ایران یکی از بزرگترین دولتهای منطقه است و صاحب قدرت نظامی وسیعی است. ولیکن بودجه ای که برای ایجاد چنین قدرتی هزینه می شود، باید در راه ایجاد رفاه برای خلقهای ایران هزینه کرد. دولت ایران زیر نام «استفاده از انرژی اتمی» شرایط را برای تبدیل ایران به میدان جنگ آماده می کند. میلیاردها دلار حاصل از فروش نفت باید در راه توسعه اقتصادی کشور هزینه شود. قدرت صنعتی ایران باید گسترش یابد. ساخت و احداث واحدهای صنعتی هم امکانات اقتصادی کشور را متنوع می سازد و هم برای اهالی کشور محل های کار تامین می گردد. دولت ایران به جای اینکه سیاست تولید محصولات صنعتی و صدور آنها به کشورهای دیگر را در پیش گیرد، برای تامین نیازمندیهای کشور به سیاست واردات الویت می دهد و میلیاردها دلار صرف واردات می گردد. نه تنها واردات محصولات صنعتی بلکه واردات محصولات غذایی و کشاورزی بخش اعظم واردات را تشکیل می دهد. بدین ترتیب اقتصاد کشور به طور کامل وابسته به واردات می شود. امروز اساس اقتصاد ایران نه تولید بلکه تجارت است. ایران به بازار بزرگی برای اقتصاد جهانی تبدیل گردیده



در گذشت پرویز شهریاری دانشمندی برجسته و مبارزی متعهد.

پرویز شهریاری یکی از چهره های کم نظیر علمی و فرهنگی و سیاسی ایران در سحرگاه ۲۲ اردیبهشت سال جاری در سن ۸۶ سالگی در بیمارستان جم تهران در گذشت.

شهریاری در سال ۱۳۰۵ در کرمان و در یک خانواده زحمتکش زرتشتی متولد شد. پدرش دهقانزاده ای بود که روی زمین های اربابی کار میکرد. پس از مرگ پدرش سرپرستی خانواده به دوش مادرش (گلستان شهریاری) افتاد. وی در سال ۱۳۳۲ در رشته ریاضی از دانشکده علوم دانشگاه تهران و دانشسرای عالی فارغ التحصیل شد. پس از آن به تدریس ریاضی در دبیرستانهای ایران و دانشکده فنی و تربیت معلم پرداخت.

شهریاری در سالهای دهه ۲۰ به فعالیت سیاسی روی آورد و در سال ۱۳۲۴ به عضویت حزب توده ایران پذیرفته شد. وی در سال ۱۳۲۸ برای نخستین بار بازداشت و زندانی شد. پس از آن نیز به دلیل دیدگاههای سیاسی اش در دوران پیش از انقلاب بارها به زندان افتاد. پس از انقلاب در ۱۳۶۲ همزمان با یورش به حزب توده ایران دستگیر و یک سال در زندان به سر برد.

پرویز شهریاری دارای فعالیت علمی و فرهنگی بی شماری است. از جمله سالها سردبیر نشریه "وهومن"، "اندیشه ما"، "سخن علمی"، "دانش و مردم" و "چیستا" بود.

شهریاری در سال ۱۳۴۵ از دکتر پرویز خانلری، وزیر آموزش و پرورش وقت ایران، نشان درجه یک علمی دریافت کرد. وی همچنین در سال ۱۳۴۸ به عنوان "چهره ماندگار علمی" در رشته ریاضیات برگزیده شد.

پرویز شهریاری در فاصله سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۲ چندین کتاب ریاضی تألیف کرد. وی همچنین با ترجمه شمار زیادی کتاب ریاضی نقش برجسته ای در پرورش فکری دانش آموزان و دانشجویان ایرانی در این رشته علمی داشت.

از استاد پرویز شهریاری هزاران اثر ارزنده بویژه در عرصه ریاضیات به یادگار مانده است.

فرقه دمکرات آذربایجان فقدان جبران ناپذیر این شخصیت ارزنده و بزرگ را به بازماندگان او، جامعه علمی ایران و یاران و همزمانش صمیمانه تسلیت می گوید.

قطعهنامه پلنوم کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

شرکت کنندگان در پلنوم، پس از استماع گزارش هیئت اجراییه و نظرات حاضرین و تصویب و تحلیل سیاسی هیئت اجراییه تاکید می کنند که:

۱- بحران اقتصادی، کشورهای سرمایه داری را در هم پیچیده است. دولت‌های امپریالیستی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا شهروندان خود را از امتیازاتی که دست آورد مبارزات سالهای طولانی آنها بود، محروم می کنند. تعداد بیکاران بی وقفه در حال افزایش است و وضعیت مادی اهالی وخیم تر می شود.

۲- شعله های جنگ که بر آمده از ماهیت امپریالیسم است، خاموش نمی شود. در افغانستان جنگ تجاوزکارانه ادامه دارد. سیاست جنگی تجاوزکارانه آمریکا ایران را با احتمال عملیات جنگی تهدید می کند و بدین ترتیب در پی کانون عملیات نظامی جدید در منطقه است.

۳- دولت ایران بیش از سی سال است که به سیاست ماجراجویانه خود در برابر آمریکا ادامه می دهد و بدین ترتیب شرایط مناسبی برای تشدید وخامت اوضاع منطقه ایجاد می کند.

۴- هرچند که کشور ایران دارای ثروت های طبیعی سرشاری است، ولی توان اقتصادی آن در سطح پائینی قرار دارد. در عین حال اقتصاد ایران در وضعیت وابسته است. اکثر مایحتاج کشور توسط واردات از خارج کشور تامین می گردد. این امر صنایع تولیدی را به شکل مستمر تضعیف نموده و سبب تعطیل شدن آنها می گردد.

۵- در کشور ایران که اقتصاد آن به طور روز افزون وابسته به واردات است، بیکاری دائما در حال افزایش است. سطح زندگی اکثریت اهالی بی وقفه در حال تنزل است. میزان فقر در حال افزایش است و بدین ترتیب تضاد میان مردم و حاکمیت در حال گسترش می باشد.

۶- گسترش تضاد میان خلق و حاکمیت به محدودیت آزادی و دمکراسی منجر می شود و آزادیهای بیان، قلم، گردهمایی و فعالیت های سازمانها از بین می رود. بدین ترتیب مبارزه برای آزادی و دمکراسی در اشکال مختلف ادامه می یابد.

مبارزه برای آزادی و دمکراسی از چارچوب های ملی خارج شده و تبدیل به مبارزه ای در مقیاس جهانی گردیده است. مبارزاتی که در شکل های متفاوت در اروپا، آمریکا و کشورهای عربی جریان دارد و منجر به کنار زدن دیکتاتورها از صحنه سیاسی می گردد. این نیز منطبق مبارزه است. مبارزه ای که اساس همه این تغییرات را تشکیل می دهد، انهدام سیستم اجتماعی کهن و ایجاد سیستم اجتماعی نوین را مطالبه می کند. در این مبارزه، خلقهای ساکن ایران در صفوف مقدم خلقهای جهان قرار دارند. بدون شک در قرن بیست و یکم مبارزه خلقها علیه دیکتاتوری نقش تعیین کننده ای خواهد داشت.

فرخنده باد اول ماه مه روز همبستگی کارگران سراسر جهان

هم میهنان گرامی!

ثروت آفرین مشکلتز میگردد. مبارزه میان کار و سرمایه گسترش پیدا میکند. جهان سوم بعنوان ذخیره نیروی انسانی پشت سر طبقه کارگر کشورهای صنعتی قرار میگیرند. و صاحبان سرمایه های متروپل نیز از پشتیبانی صاحبان سرمایه داری جهان سوم برخوردار میشوند. بدین طریق نیروی کار جهانی بر علیه نیروی سرمایه جهانی مشکلتز و نیرومندتر وارد میدان می شود. این مبارزه گرچه ممکن است بدلیل شرایط جهانی راه طولانی را درپیش داشته باشد، اما بطور حتم تاثیر گذار خواهد بود. بی جهت نیست که از هم اکنون بسیاری از متفکران نظام سرمایه داری معتقد به اصلاحات ریشه ای اما میانه برای برون رفت از این بحران هستند. اما خود این متفکرین هم شاید بخوبی بدانند که تنها راه حل بحران نظام سرمایه داری تمکین به خواست زحمتکشان یعنی ملی کردن ابزار تولید و از میان برداشتن الیگارشالی مالی و صنعتی است. در غیر اینصورت تضاد بین کار و سرمایه تشدید خواهد شد. و نیروی عظیم زحمتکشان در برابر سرمایه جهانی قدعلم میکنند. و برای تغییر وضع موجود و ایجاد عدالت اجتماعی در جهان مشترکاً مبارزه میکنند. در این مبارزه طبعاً اقشار و لایحه های دیگر جامعه که از نظام موجود زیان دیده اند به یاری کارگران و زحمتکشان خواهند آمد.

نیروهای ملی و انقلابی و آزادیخواهان کشور!

امسال کارگران و زحمتکشان میهنمان در حالی به استقبال بر گزاراری روز جهانی کارگر می روند که شرایط کشور بس بحرانی است. تورم و بیکاری و گرانی سرسام آور عرصه را بر زندگی زحمتکشان، بخصوص کارگران هرچه بیشتر تنگتر کرده است. آغاز سال جاری که به ادعای رهبر جمهوری اسلامی سال «حمایت از تولیدی ملی» نامگذاری شده است (به نوشته روزنامه های مجاز کشور) بیش از سی درصد کارگران کار خود را از دست داده اند و بسیاری از بنگاههای تولیدی تعطیل و یا نیمه تعطیل شده اند. نرخ تورم در آغاز سال جدید رکود شکنی کرده و به بالای چهل در صد نسبت به قبل رسیده است. حاکمیت با توجه به نارضایتی عمومی که در جامعه، بخصوص در میان زحمتکشان می بیند تمام توان خود را بکار بسته است تا از تجمع کارگران و دیگر زحمتکشان در روز جهانی کارگر جلوگیری کند. این وظیفه تک تک نیروهای آزادیخواه است که بر علیه توطئه رژیم مبارزه کنند. بدون شک برای رسیدن به آزادی و دمکراسی باید پیوند مبارزات ملی و قومی با خواست زحمتکشان کشور تامین گردد. امر مهمی که تا کنون از دید بسیاری از مبارزان و آزادیخواهان نادیده و یا کمتر به آن بها داده شده است.

پیش بسوی برگزاری هرچه باشکوهرتر جشن اول ماه مه
کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

اول ماه مه ۱۳۹۱

طبقه کارگر چرخ صنایع کشور را به حرکت در میآورد. انقلاب صنعتی در اروپا در شکل گیری طبقه کارگر نقش اساسی بازی نمود. با گذر زمان و پیشرفت صنعت، تضاد میان کار و سرمایه (کارگر و سرمایه دار) شکل آستی ناپذیر بخود گرفت. جامعه به دو بخش تقسیم گردید. کارگران اکثریت و سرمایه داران اقلیت جامعه را تشکیل دادند. تولید کنندگان نعمات مادی استفاده از این نعمت ها کمتر بهره مند شدند. آنها در شرایطی سخت و طاقت فرسا کار میکردند و مزد کمتر در یافت می نمودند. این امر کارگران را وادار نمود برای دست یابی به حقوق حقه خود مبارزه کنند. اعتصاب یکی از موثرترین شیوه های مبارزه طبقاتی است. کارگران آمریکا در شیکاگو از این اسلحه استفاده کردند و مورد هجوم پلیس قرار گرفتند. در این حمله عده زیادی از کارگران کشته و زخمی شدند. از آن تاریخ بیش از یک قرن میگذرد. برگزاری جشن اول ماه مه به پاس میرزات کارگران شیکاگو از همین تاریخ آغاز گردید و همچنان ادامه دارد. اکنون دو طبقه سرمایه دار و کارگر در مقابل هم قرار گرفته اند. صاحبان سرمایه حاضر نیستند از تملک ابزار تولید صرف نظر کنند. کارگران نیز بعنوان تولید کننده واقعی نعمات مادی در کشور، میخواهند تا مالکیت ابزار تولید در اختیار دولت ملی قرار گیرد. و دولت هم بعنوان نماینده جامعه غیر طبقاتی، ثروت ملی را در میان اعضاء جامعه بشکل عادلانه تقسیم نماید. یعنی هرکس در برابر کار خود مزد بگیرد. چنین جامعه ای در قرن بیستم در بخشی از اروپا و آسیا پدید آمد. در این جوامع ثروت ملی در دست آفرینندگان آن قرار گرفت. بیکاری، بی خانمانی، بی سواد و عقب ماندگی تاریخی و فرهنگی تقریباً ریشه کن شد. این کشورها علیرغم تمام مشکلاتی که از گذشته به ارث برده بودند و نیز جهان سرمایه داری به آنها تحمیل میکرد بطور اعجاب آوری رشد و پیشرفت کردند. اما گیاهان هرز و خودرو که سالها در این جامعه جا خوش کرده بودند و منتظر فرصت مناسبی برای خشکاندن نهال نوپای حاکمیت مردم بودند بر اساس غفلت های ایجاد شده جان گرفتند و به خشکاندن مزرعه نائل آمدند. بدین ترتیب در میان هیاهوی «دمکراسی خواهی» طبقه کارگر از قدرت سیاسی برکنار گردید و دو باره ثروت در دست سرمایه داران «نوبنیاد» (گیاهان هرز و خودرو) متمرکز شد. بدین طریق سرمایه داری خود را پیروز قرنی دانست که با انقلابهای ملی و طبقاتی شروع شده بود.

اما شادی جهان سرمایه داری چندان دوام نیاورد. آغاز قرن بیست و یکم، آغاز بحران ساختاری و همه جانبه نظام سرمایه داری بویژه در کشورهای صنعتی بزرگ مانند آمریکا و اروپای غربی بود. این بحران که از ذات نظام سرمایه داری نشأت می گیرد، رفته رفته عمیق تر شد. سطح تولیدات صنعتی پائین آمد و این سیر نزولی ادامه دارد. و هر روز که میگذرد در آمد هنگفت صاحبان سرمایه کمتر میگردد. به طبع در آمد کارگران نیز بشکل محسوس تنزل میابد و زندگی برای

فراز و فرودهای برگزاری مراسم اول ماه مه در ایران



برای بهبود بیشتر وضعیت شاغلان همراه می‌شود. از زمره کشورهایی که روز اول ماه مه را تعطیل اعلام نکرده است. جمهوری اسلامی ایران است.

برگزاری جشن اول ماه مه در ایران با فراز و نشیب‌های زیادی روبرو بوده است. تقریباً سی سال پس از تصویب این روز به عنوان روز جهانی کارگر اولین گردهمایی به مناسبت این روز را «شورای مرکزی فدراسیون سندیکای کارگری» در سال ۱۳۰۰ برگزار کرد. به رغم رشد محدود طبقه‌ی کارگر در ایران آن زمان، فدراسیون یاد شده ۸ هزار کارگر و کارکنان اداری را که در ۱۶ سندیکا گرد آمده بودند نمایندگی می‌کرد.

برگزاری اول ماه مه در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ کم و بیش ادامه داشت. سال ۱۳۰۸ شهرهای مختلف ایران شاهد برگزاری گسترده و بی‌سابقه این مراسم بودند. اعتصاب کارگران صنعت نفت نیز به این روز بعد تازه‌ای بخشید. این کارگران با اعتصاب خود در آبادان خواهان به رسمیت شناخته شدن تشکلهای خود، تعیین حداقل دستمزد و به رسمیت شناختن روز اول ماه مه به عنوان روز کارگر شدند.

از سال ۱۳۱۰ با تصویب قانون «مقابله با مرام اشتراکی» که به قانون سیاه معروف شد، توسط رضا شاه تعقیب و پیگرد فعالان کارگری و گروههای چپ شدت و شتاب بیشتری گرفت. بر همین اساس، برگزاری اول ماه مه و تلاش کارگران برای دستیابی به حقوق بیشتر با مشکلات و موانع سختی مواجه شد. با سقوط حکومت رضاشاه در سال ۱۳۲۰ و برقراری یک دموکراسی نیمه پایدار در سال‌های پس از آن، زمینه مساعدی برای بسط و گسترش تشکلهای کارگری به وجود آمد. به علاوه، این دوران با رشد صنایع و افزایش کمی شمار کارگران ایران نیز همراه بود.

بر این اساس، برگزاری اول ماه مه و تلاش و تکاپوی کارگران برای دستیابی به حقوق و شرایط کاری بهتر نیز شدت و حدت بیشتری یافت. جشن اول ماه مه در تهران در سال ۱۳۲۵ که «شورای متحد مرکزی سندیکاهای کارگری» آن را تدارک و برگزار کرد، بزرگترین جشن کارگری در تاریخ معاصر ایران تا آن زمان بود. در این جشن که در آن نزدیک به ۸۰ هزار نفر شرکت داشتند، شادمانی از پایان جنگ جهانی دوم و نیز تأکید بر لزوم تحقق شماری از خواسته‌های کارگران در آن برجسته بود. مسکن بهتر، اعمال نظام حداقل دستمزد، افزایش سهمیه‌های جیره‌بندی، به رسمیت شناخته شدن اتحادیه، و تصویب یک

بزرگداشت اول ماه مه روز همبستگی زحمتکشان سراسر جهان در ایران با فراز و نشیب‌های زیادی روبرو بوده است. تاریخچه‌ی اول ماه مه، روز جهانی کارگر، با تحركات و فعالیت‌های کارگری در قرن نوزدهم مرتبط است. در دهه‌های آخر این قرن هم اروپا و هم آمریکا شاهد اعتصاب‌ها و اعتراض‌های کارگری برای خواسته‌های مختلفی، از جمله ۸ ساعت کار در روز بودند.

در بخش‌هایی از اروپا این تلاش‌ها بی‌نتیجه نبود، اما در آمریکا مقاومت کارفرمایان مانع از تحقق خواسته‌ی یاد شده شد. از این رو فدراسیون سندیکای صنعتی و تجاری این کشور در کنگره سال ۱۸۸۴ خود انجام جنبشی گسترده و عمومی را برای محدود شدن ساعات اجباری کار روزانه کارگران تصویب کرد.

تدارک عملی این جنبش نزدیک به ۱۸ ماه به درازا کشید و بسیاری از سازمان‌ها و تشکلهای کارگری و سوسیالیستی به همکاری و همگامی با آن جلب شدند. سرانجام، در چارچوب عملی کردن خواسته محدودسازی ساعات کار کارگران به ۸ ساعت در روز، به کارفرمایان اولتیماتوم داده شد که اگر تا اول ماه مه ۱۸۸۶ به این خواسته گردن نگذارند، در این روز با اعتصاب کارگران مواجه خواهند شد.

با بی‌اعتنایی کارفرمایان به این خواسته، روز اول ماه مه ۱۸۸۶ نزدیک به ۳۵۰ هزار کارگر آمریکایی دست به اعتصاب زدند که حملات و سرکوب پلیس و بازداشت، محاکمه، زندان و اعدام شماری از کارگران را به دنبال داشت. به رغم این ناکامی، جنبش کارگری آمریکا از سال ۱۸۸۹ مجدداً تلاش و فعالیت برای تحقق ۸ ساعت کار روزانه را آغاز کرد و در همین سال «کنگره بین‌المللی سوسیالیست‌ها» یا انترناسیونال دوم، تصویب کرد که روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر نامیده شود.

گرچه فعالیت‌ها و اعتصاب‌هایی که به تثبیت روز اول ماه مه عنوان روز کارگر انجامیدند عمدتاً با تحقق ۸ ساعت کار در روز مربوط بودند، ولی در طول ۱۲ دهه‌ای که از تعیین این روز می‌گذرد، مبارزه و تلاش کارگران به عرصه‌ها و خواسته‌های متفاوتی کشیده شده است.

حق تشکل، بیمه‌های کاری، درمانی و بازنشستگی، قانون کاری که بهتر مدافع حقوق کارگران باشد، تعیین یا افزایش حداقل دستمزد، مشارکت کارگران در تصمیم‌گیری‌های کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، برابری حقوق زنان و مردان در محیط کار و ایجاد شرایط بهتر برای اشتغال و استقلال مالی زنان، دفاع از امر صلح و مخالفت با جنگ، اعتراض به جنبه‌های منفی جهانی شدن و هدایت این روند به مسیر و مجرای عادلانه‌تر و ... از جمله خواسته‌هایی بوده‌اند که تشکلهای نمایندگان کارگران در گوشه و کنار جهان به ویژه در مراسم و برنامه‌های اول ماه مه بر آنها تأکید و برای تحققشان فعالیت کرده‌اند.

روز اول ماه مه در بیش از هشتاد کشور جهان تعطیل رسمی اعلام شده است که معمولاً با راهپیمایی و جشن و سخنرانی

برگزاری اول ماه مه نیز در این سالها ابعاد و تنوع گسترده ای داشت. بزرگترین تظاهرات و گردهمایی های کارگری در تاریخ معاصر ایران هم در همین سالها برگزار گردید.

ماههای اول انقلاب مصادف بود با روز جهانی کارگر. در روز یازدهم اردیبهشت سال ۵۸ خیابان های تهران، تبریز و دیگر شهرهای کوچک و بزرگ کشور با رژه کارگران سراسر کشور نوید از زندگی تازه ای برای زحمتکشان میداد. خبرنگاران بزرگترین خبرگزاری های جهان و نمایندگان سازمانهای کارگری جهانی در خیابانهای شهرهای بزرگ و کوچک ایران شاهد راهپیمایی عظیم کارگران و زحمتکشانی بودند، که با عزمی راسخ در دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن به میدان آمده بودند. تشکل های کارگری با حمل پلاکاردهایی خواهان آزادی بی قید و شرط سندیکاهای کارگری، تصویب قانون کاری مترقی و رفع ستم استثمار شده بودند.

در همین سالها بود که یکی از برجسته ترین مبارزات طبقه کارگر ایران بر علیه طرح قانون کار ارتجاعی ارائه شده از سوی وزارت کار و امور اجتماعی به وزارت احمد توکلی شکل گرفت. در این مبارزه که شروع یورش نیروهای ارتجاعی و حامیان نظام سرمایه داری به دستاوردهای انقلاب بود، تشکلهای کارگری و طبقه کارگر پیروز میدان شد. احمد توکلی و متحدانش زیر فشار اعتراضات فراگیر مجبور به پس گرفتن طرح قانون کار ضد کارگری خود شدند.

فضای ناشی از جنگ با عراق و به ویژه محدود شدن فزاینده آزادیهای شکل گرفته در اثر انقلاب و یورش به تشکلهای مستقل کارگری و احزاب و سازمانهای ترقی خواه، عملاً فعالیت مستقل کارگران را با مشکلات و موانع جدی روبرو کرد. در نتیجه برگزاری اول ماه مه نیز بیشتر جنبه حکومتی یافت و کمتر امکان برگزاری مستقل آن به وجود آمد. تا آغاز دوران دولت محمد خاتمی، حتی تشکلها وابسته به دولت نیز چندان در برگزاری روز کارگر استقلال و قدرت مانور نداشتند. تنها در دوران دولت اصلاحات، یعنی در سالهای ۷۶ تا ۸۴ بود که شرایط مساعدتری برای برگزاری بهتر روز کارگر چه از سوی نهادهای دولتی یا نهادهای نیمه رسمی به وجود آمد. با به پایان رسیدن این دوران و آغاز دولت احمدی نژاد عملاً محدودیتها برای تشکل های غیرمستقل نیز فزونی یافت و برگزاری روز کارگر هم با مشکلات و موانع تازه ای روبرو شد.

به رغم همه دشواریها و سخت گیریها، در سالهای اخیر نیز تلاشها و مبارزه کارگران ولو با افت و خیز ادامه یافته است و اول ماه مه نیز با اشکالی هرچند محدود و در خفا برگزار می شود.

قانون کار و هشت ساعت کار روزانه، از جمله خواستهای مطرح در تظاهرات تهران و دیگر شهرها بودند. اندکی بعد از این مراسم و برنامهها، اولین قانون کار در ایران از تصویب مجلس شورای ملی گذشت.

در آذربایجان بخصوص در سال ۱۳۲۵ که حکومت ملی به رهبر فرقه دمکرات آذربایجان حاکم بود روز اول ماه مه با شکوه هرچه بیشتر برگزار گردید. کارگران و زحمتکشان آذربایجانی در تاریخ ایران برای اولین بار بدون هراس از تعقیب پلیس و یا ترس از بیکار شدن توسط کارفرماها به خیابانها آمدند و خواسته های خود را ازادانه بگوش دولت خود مختار ملی رساندند.

با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نه تنها این قانون ملغی شد، بلکه تشکل های کارگران و احزابی که خود را مدافع حقوق آنها میدانستند نیز به شدت زیر سرکوب و فشار قرار گرفتند و دولت کودتا آنها را منحل اعلام کرد. روز اول ماه و برگزاری مراسم آن نیز در محاق تعطیل قرار گرفت. با این همه نسلی که در فاصله ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ در جنبش کارگری ایران نقش و سهمی داشت، در دوران پس از کودتا نیز تلاش کرد تجارب و اندوخته خود را به نسل های بعدی انتقال دهد و برگزاری ماه مه را ولو به صورت مخفی و در ابعاد کوچک هم که شده تداوم بخشد. بعد از چند سال حکومت محمد رضا شاه زیر فشار افکار عمومی جهان و مبارزات و اعتصابات کارگری مجبور شد روز کارگر را بپذیرد. ابتدا روز ۲۴ اسفند تولد رضا شاه را بعنوان روز کارگر اعلام کرد. پس از آنکه این روز با اعتراض افکار عمومی ایران و جهان و مقاومت کارگران در مقابل آن روبرو شد، تن به پذیرش روز یازدهم اردیبهشت ماه به عنوان روز کارگر داد. اما برای آن که مانع از حضور کارگران و محافل کارگری در برگزاری این روز شود، خود ابتکار عمل را در دست گرفت. بدین ترتیب روز اول ماه مه میل شد به مراسمی شاهانه بدون آنکه حقوق کارگران، از جمله حق تشکل آنها را برسمیت شناخته شود.

نقش کارگران ایران و به ویژه کارگران صنعت نفت در پیروزی انقلاب سال ۱۳۵۷، این نوید را برای طبقه کارگر ایران بوجود آورد که دوران سیاه رنج و مشقت های کارگران و زحمتکشان پایان یافته است. و از این پس زحمتکشان کشور به لحاظ حقوق اجتماعی، صنفی و مدنی در وضعیت کیفی متفاوتی قرار خواهند گرفت. در چند سال اول انقلاب که حاکمان کنونی هنوز اقتدار نداشتند. گام های مثبتی در این زمینه، از جمله آزادی تشکل های کارگری، احزاب و گروه های مدافع آنها و توجه به اقتصاد ملی و غیر وابسته و کوتاه کردن دست چپاولگران کشور برداشته شد. از همین رو

**پیش شرط استقرار دمکراسی واقعی در ایران احقاق
حقوق ملل و اقوام تشکیل دهنده کشور می باشد**

جهان در اول ماه مه

با توجه به بدتر شدن وضعیت اقتصادی جهان، مراسم برگزاری اول ماه مه در اروپا، و آمریکا به اعتراضات توده ای و درگیری با پلیس انجامید.

بزرگترین سندیگاههای آلمان دهها هزار نفر را به خیابانها کشاندند. بیش از ۲۵ هزار نفر در منطقه برلین - کرایسبرگ، در این اعتراضات شرکت کردند. سازماندهندگان این اعتراضات قصد داشتند این تظاهرات را در مرکز شهر به پایان برسانند. اما پلیس آلمان مانع ورود آنها به مرکز شهر گردید. در جواب تظاهرکنندگان با سنگ و بطری آتش زایا به درگیری با پلیس پرداختند.

در فرانسه مراسم روز اول ماه مه بیش از ۳۰۰ هزار نفر را به خیابانها آورد. بزرگترین این اعتراضات در پاریس شکل گرفت. همزمان با این تظاهرات که از طرف سندیگاههای کارگری سازمان داده شده بود، نیکلای سارکوزی در میتینگی که از طرف حزب او سازمان داده شده بود، مستقیماً از سندیگاههای کارگری درخواست کرد که دست از مبارزه بردارند و تلاش خود را متوجه «مشکلات زحمتکشان!» نمایند. اما رهبران بزرگترین سندیگاههای کارگری یکبار دیگر مخالفت خود را با سیاستهای اجتماعی سارکوزی بیان کردند و اعلام نمودند که از کاندیداتوری او حمایت نخواهند کرد.

در ایتالیا بر اثر زد و خورد بین پلیس و تظاهرکنندگان دهها نفر مجروح شدند. در متینگ شهر تورین، سخنرانی شهردار شهر باعث خشم مردم گردید. پس از آنکه تظاهرکنندگان علیه دولت شعار دادند، پلیس با باطوم و ماشینهای آب پاش به متفرق ساختن آنها اقدام کرد.

در یونان خیابانهای آتن شاهد تظاهرات با شکوه مردم بود، که اعتصاب ۲۴ ساعته کارکنان ترانسپورت عمومی شکوه بیشتری به آن داده بود. در آستانه انتخابات پارلمانی که باید در روز یکشنبه همین هفته انجام گیرد، بزرگترین سندیگاههای یونان از مردم خواسته اند علیه احزابی که از برنامه های اتحادیه اروپا و صندوق بین المللی پول حمایت می کنند، موضع بگیرند.

در اسپانیا بیش از ۲۰۰ هزار نفر در مراسم اول ماه مه شرکت کردند. تظاهرکنندگان خواهان حفظ حق کار و تامین اجتماعی شدند. آنها همچنین مخالفت خود را با سیاستهای دولت ماریوراخویا، در مورد افزایش مالیاتها، کاهش دستمزد و خصوصی سازی اعلام کردند.

در زوریخ سوئیس در جریان مراسم اول ماه مه، بیش از بیست نفر از تظاهرکنندگان چپ گرا دستگیر شدند. پلیس با استفاده از گاز اشک آور و ماشینهای آبپاش به متفرق ساختن تظاهرکنندگان پرداخت. در مقابل جوانان معترض با سنگ و بطری به مقابله برخواستند. با این حال، مراسم رسمی اول ماه مه، که بیش از دوازده هزار نفر در آن شرکت داشتند، در زوریخ به آرامی برگزار شد.

در ورشو لهستان بیش از ده هزار نفر در مراسم روز همبستگی زحمتکشان شرکت نمودند. لیبرالها، آنارشیستها و ناسیونالیستها با شعارهای مشترک در این تظاهرات شرکت داشتند. خواسته اساسی آنها تامین حقوق بازنشستگی مناسب بود.

در تظاهرات اول ماه مه برتغال یکی از شرکت کنندگان - آرمینو کارلوس می گوید: «ما کارگران ساده دیگر از هیچ چیز نمی ترسیم، نه از دولت و نه از بر خورد پلیس. چیزی برای از دست دادن نداریم. ما بخاطر حق کار، دستمزد مناسب و بیمه درمانی مبارزه می کنیم. ما می خواهیم که از تأمینات اجتماعی بهره مند باشیم و آینده شایسته ای برای فرزندان خود تأمین کنیم».

در آمریکا اعتصاب عمومی در روز اول ماه مه برگزار گردید. جنبش «وال استریت را اشغال کن» مراسم اول ماه مه را سازمان داده بود. صدها نفر معترض در خیابانهای نیویورک، لوس آنجلس، آکلند، شیکاگو، اتلانتا و دیگر شهرهای بزرگ راهپیمایی کردند. در بیانیه ای که در سایت جنبش وال استریت منعکس شده، آمده است که: «حضور ما در اینجا برای برگزاری جشن اول ماه مه است. حضور ما در اینجا برای نشان دادن توان مردمی است که بخاطر یک هدف واحد متحد شده اند. ما زحمتکشان آمریکایی، همبستگی خود را با تمامی زحمتکشان جهان اعلام می داریم».

در ترکیه که نرخ بیکاری بخصوص در میان جوانان در صد بالایی دارد، مراسم روز اول ماه مه با برخورد و درگیری با پلیس انجامید که در نتیجه دهها نفر صدمه دیدند. یکی از شرکت کنندگان در مراسم با شکوه اول ماه مه در آنکارا می گوید: «ما را از کار بیکار میکنند، ماهها دستمزد ما را نمی پردازند، هم زمان با رشد بیکاری، مالیات بر درآمد زحمتکشان نیز افزایش می یابد».

در کوبا صدها هزار نفر در سراسر کشور روز همبستگی جهانی زحمتکشان را گرامی داشتند. در این مراسم نمایندگان ۱۳۵ تشکیلات کارگری از ۵۰ کشور جهان حضور داشتند.

در تونس بیش از ۲۵ هزار نفر در مراسم همبستگی بین المللی با زحمتکشان شرکت نمودند.

زیر پرچم سرخ، حزب کمونیست لبنان اول ماه مه در پایتخت کشور، بیروت برگزار گردید.

کمونیست های عراق در بغداد مراسم روز اول ماه مه را برگزار کردند. حزب کمونیست کردستان عراق نیز متینگ با شکوهی به همین مناسبت در شهر اربیل برگزار کرد.

و ...

این حق کودکان
آذربایجانی است که
به زبان مادری خود
تحصیل کنند.

دمکراسی در اروپا اشکال گوناگونی دارد

اروپا مهد دمکراسی در جهان است. سرمایه داری برای تحکیم پایه های قدرت خود دست به ماتورمیزند. انتخابات در اروپا یکی از اشکال دمکراسی است که حکومت قدرتمندان از آن به نفع خود استفاده میکنند. انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه نشان داد که دمکراسی در این کشور پایه های محکمی دارد. مردم بدون اعمال نفوذ به نامزدهای دلخواه خود رای میدهند. دور اول انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه هیچ یک از نامزدها نتوانستند رای بالای پنجاه یک در صد را بدست بیاورند. بنابراین انتخابات به دوره دوم کشانده شد. فرانسوا اولاند نامزد حزب سوسیالیست در دور دوم با اخذ رای پنجاه و دو درصد بر رقیب خود سارکوزی رئیس جمهوری وقت پیروز شد. در تظاهرات عمومی هواداران هر یک از دو نامزد با شور و شوق از نامزد خود دفاع میکردند. خبر شکست سارکوزی هواداران او را پریشان خاطر نمود. و بسیاری از زنان شرکت کننده در گردهمایی پس از شکست سارکوزی با چشم گریان مقام او را گرمای داشتند. انتخابات در فرانسه در عین حال این واقعیت را نشان داد که سرنوشت مردم فرانسه با سیستم سرمایه داری هنوز هم گره خورده است. بنابراین بیکاری، گرانی، بحران اقتصادی، نظام سرمایه داری را در فرانسه مورد «تهدید» قرار نمی دهد. در این انتخابات از امکانات دولتی و مالی برای کشاندن مردم به پای صندوقهای رای استفاده نشد. مردم واقعاً با خواست خود در انتخابات شرکت کردند و رئیس جمهور خود را انتخاب نمودند. انتخاباتی دیگر نیز چهار ماه پیش در شرق اروپا در روسیه برگزار گردید. در این انتخابات پنج نفر نامزد ریاست جمهوری بودند. رسانه های گروهی و دستگاه های تبلیغاتی شبانه روز به تبلیغ یکی از این پنج نامزدها مشغول بودند. چهار نامزد دیگر از امکانات رسانه های گروهی بویژه رادیو و تلویزیون نمی توانستند به اندازه کافی استفاده کنند. ولادیمیر پوتین نخست وزیر وقت شب و روز در تلویزیون های روسیه ظاهر میشد و به مردم وعده های تو خالی میداد. که در صورت انتخاب شدن به ریاست جمهوری، وضع شهروندان بهبود خواهد یافت. بدین ترتیب او از امکانات وسیع حکومتی استفاده نمود و با اخذ شصت و سه درصد رای برای سومین بار تکیه به کرسی ریاست جمهوری زد. چهار ماه از انتخابات ولادیمیر پوتین میگذارد. در این مدت بارها اپوزیسیون به خیابانها آمدند و علیه تقلب در انتخابات شعار دادند. هفتم ماه مه پوتین رسماً به عنوان ریاست جمهوری شروع بکار کرد. در روز برگزاری مراسم سوگند، باز هم هزاران نفر به خیابانها آمدند و تقلب در انتخابات را محکوم نمودند.

کشورهای فرانسه و روسیه یکی در غرب و دیگری در شرق اروپا واقع اند. در هر دو کشور نظام سرمایه داری برقرار است. در غرب اروپا دمکراسی سرمایه داری بشکل واقعی تثبیت شده است. در روسیه دمکراسی شکل کاریکاتور بخود گرفته است. این نیز امری تصادفی نیست. زیرا روسیه بطور اخص، اسلاوها بطور اعم، دیرتر از غرب اروپا با فرهنگ سرمایه داری آشنائی پیدا کرده اند. روسیه را چهار صد سال حکومت فردی اداره کرده است. و اکنون نیز این سنت ادامه دارد. انتخابات در این کشور برگزار میگردد. لیکن قدرت در دست یک فرد متمرکز است. در انتخابات اخیر ریاست جمهوری ابتدا پنج نامزد شرکت داشتند. در دور اول انتخابات پوتین رهبر حزب حاکم با بدست آوردن بیش از شصت و سه درصد آرا، به ریاست جمهوری برگزیده شد. مخالفان پوتین نتیجه انتخابات را ناشی از تقلب دانستند. این سومین بار است که پوتین در انتخابات ریاست جمهوری شرکت میکند. ۱۳۹۱ در روسیه کودتای نظامی رخ داد بوریس یلتسین یکی از رهبران حزب کمونیست شوروی در راس این کودتا قرار گرفت و خود را رئیس

جمهوری روسیه اعلام نمود. اتحاد شوروی توسط وی متلاشی شد و به پانزده کشور جداگانه تقسیم گردید. یلتسین هم در دور اول و هم در دوم انتخابات ریاست جمهوری با تقلب مقام خود را حفظ نمود. ولی پیری و بیماری به اوامکان نداد تا آخر در پست ریاست جمهوری باقی بماند مسؤولیت را در اواخر قرن بیستم به ولادیمیر پوتین نخست وزیر وقت محول نمود. او نیز هشت سال متوالی مقام ریاست جمهوری حفظ کرد. پوتین نیز برای حفظ قدرت در دستان خود، ریاست جمهوری را به یکی از دستیاران خود یعنی دمتری مدودف واگذار نمود. او چهار سال در راس حکومت قرار گرفت و بعد از چهار سال مقام ریاست جمهوری را به ولادیمیر پوتین باز پس داد. هم در سالهای انتخابات پوتین و هم در سالهای انتخابات بعدی رای واقعی مردم در نظر گرفته نشد. پوتین بار سوم مقام ریاست جمهوری را از آن خود ساخت. این نشان میدهد که دمکراسی در اروپا اشکال گوناگونی دارد. ما دیدیم که در فرانسه هم در دور اول و هم در دور دوم دو رقیب در حدود سه و یا چهار درصد اختلاف رای داشتند. نامزد سوسیالیست ها که برای اولین بار بود در انتخابات شرکت میکرد، سارکوزی، رئیس جمهور پیشین را با چهار درصد آرای بیشتر شکست داد. در روسیه پنج نفر از رقبای پوتین با بدست آوردن هفده درصد، نه درصد، هفت درصد و پنج درصد «شکست خوردند». خود این رقم نشان میدهد که دمکراسی در روسیه شکل واقعی بخود نگرفته است. و دستگاه حاکمه با سو استفاده از دمکراسی راه «پدران خود را» ادامه میدهد. همانطور که ولادیمیر پوتین توانست با استفاده از تقلب و امکانات دولتی هشت سال ریاست جمهوری را حفظ و برای ادامه حفظ قدرت این پست را به معاون خود دمتری مدودف واگذار و این بار برای یک دوره شش ساله برای بار سوم رئیس جمهور شود، میتوان پیش بینی کرد که برای بار چهارم نیز مقام ریاست جمهوری را بدست خواهد گرفت. بدین ترتیب سرهنگ دوم ک. گ. ب. بیش از دو دهه فرمانروائی بزرگترین کشور جهان را در اختیار خود خواهد داشت.

جامعه سرمایه داری در غرب اروپا به قدرت رسید. به نظام ارباب رعیتی پایان داد. دهقان و کارگر از آزادی سیاسی برخوردار شدند. بازار بشکل آزاد در دست سرمایه داران قرار گرفت. بیش از چهار صد سال است که سرمایه داری در غرب اروپا ریشه دوانده و صاحبان سرمایه هم ثروت و هم قدرت را در دست گرفته اند. این قدرت سیاسی است که پایه های اقتصادی سرمایه داری را استحکام می بخشد. ولی نظام سرمایه داری در قرن نوزدهم به روسیه راه یافت. در اوائل قرن بیست انقلاب ضد سرمایه داری پیروز شد و این نظام تا آخر قرن بیست به موجودیت خود ادامه داد. در اواخر قرن بیست این نظام اجتماعی نیز از طریق کودتای نظامی سرنگون گردید و سرمایه داری قرن نوزدهم در این کشور مستولی گردید. حالا این «نوزاد» غیر قانونی میخواد جامعه «نوبنیاد» را بشکل دمکراسی در غرب اداره کند. و ثروت باد آورده گروه کوچکی از طبقات حاکمه را تحت حمایت سیاسی خود قرار دهد. ولی نظام سرمایه داری گرچه در آن آزادیهای دمکراتیک برقرار گردیده است رو به زوال است. سرمایه داری مرحله از صورت بندی اجتماعی است که در آغاز پیدایش خود جنبه مترقی داشت ولی در سالهای پایانی خود و به زنجیری مبدل شده است که حرکت به جلو را مانع میشود. روسیه یکی از حلقه های پوسیده این زنجیر است که مردم آن صرفنظر از عقاید گوناگون سیاسی، این واقعیت را درک و برای سرنگونی نظام ضد ملی حاکم مبارزه میکنند. این مبارزه در انتخابات دوما و ریاست جمهوری خود را بشکل آشکارا نشان داد.

نگاهی به تحولات سیاسی و اجتماعی در کشورهای خاورمیانه

در طول سه سال گذشته کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا با تحولات بسیار عمیق و تاریخ سازی مواجه بوده و می باشند که ناشی از روند مبارزات مردمی این کشورها بر علیه رژیم های استبدادی و خود کامة حاکم بر آن جوامع است. بررسی علل و عوامل وقوع این حوادث و انقلاب ها در کشورهای عربی نشان دهنده این حقیقت است که علیرغم تفاوت هایی که میان هر کدام از این کشورها از جهت ویژگی های اجتماعی و اقتصادی وجود داشته است ریشه ها و عوامل مشترکی را می توان نام برد که وجه مشترک و خصوصیات عام این جنبش ها را کاراکتریزه می نماید. از جمله مهمترین این عوامل میتوان به نارضایتی عمیق توده های مردم نسبت به بی عدالتی های اجتماعی و اقتصادی که سبب به وجود آمدن دره عمیقی از فقر برای اکثریت توده های مردم این کشورها از یک سو و ثروت بی حد و مرز برای عده کمی از اهالی آن جوامع از سوی دیگر می باشد، نام برد. عواقب این نوع سیاست ها عبارت بوده است از تشدید فقر و محرومیت، بیکاری، ناهنجاری های اجتماعی مختلف، عدم وجود فرصت های برابر برای حق کار و فعالیت های شغلی و اقتصادی است. خصوصیت دیگری که وجه مشترک و عام آن جوامع را تشکیل میدهد عبارت است از شیوه حکومتگری عمیقاً استبدادی که بر اساس آن تمامی اهرمها و مراکز مهم تصمیم گیری در عرصه سیاست و اقتصاد جامعه را بطور انحصاری در اختیار گروه بسیار محدودی از رهبران آن کشورها و حامیان و نزدیکان آنها قرار داده است. که در نتیجه این رژیم ها برای حفظ قدرت و حاکمیت خود سیاست سرکوب شدید آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم را به شدت و با خشونت تام و تمام به سیاست اصلی در درون جوامعشان تبدیل کرده بودند و هر کدام از آن رهبران و رژیم ها با بر گذاری انتخابات فرمال و از قبل طرح ریزی شده به نفع خود دهها سال بر اریکه قدرت سیاسی تکیه زده بودند. البته اکثر کشورهای عربی از جهت رشد تاریخی اقتصاد و سیاسی دارای زیر ساخت های ناقص و نا کارآمد و مخدوش بوده اند که نتوانسته است زمینه مناسبی را برای رشد موزون و مترقیانه اقتصادی و سیاسی دمکراتیک فراهم نماید. اکثر این کشورها مانند کشورهای حوزه خلیج فارس، لیبی و الجزایر دارای منابع غنی و سرشار نفت و گاز می باشند و کشورهای هم مثل مصر و سوریه در حد و مقداری که تأثیر گذار بر در آمد ملی و دولتی آنها بوده است، دارای نفت و گاز می باشند. این کشورها بخصوص در سالهای بعد از جنگ دوم جهانی با فروش نفت و گاز به پولهای کلانی دست یافتند ولی ثروت نفتی آنها موجب تحول سیاسی مثبت در آن کشورها و بهبود وضع اقتصادی نگردید. چراکه توسعه اقتصادی آنها متفاوت از الگوهای کلاسیک توسعه اقتصادی در اروپا و برخی کشورهای دیگر جهان سومی بود. یعنی تحولی آگاهانه و روشمند با هدف گذار از جامعه ای با فرهنگ و اقتصادی سنتی به جامعه ای مدرن و دمکراتیک و اقتصادی پیشرفته. بر عکس آن کشورها با استفاده از پول نفت خریدن ظواهر مدرنیته از قبیل نوسازی شهرها و تاسیس پل ها و آسمان خراشهای عظیم و اتوموبیل های آخرین مدل و خانه های اشرافی پرداخته و موفق به انجام زیر ساختها، برای جوامع خود نگردیدند. پول های بدست آمده از فروش نفت هم مدرنیزاسیون سیاسی و هم رشد اقتصادی را در این کشورها به تأخیر انداخته است. این یک حقیقت مسلم است که دولتها در هر کشوری برای تأمین بودجه مورد نیاز خود احتیاج به منابع تأمین بودجه دارند. در کشورهایی که دارای منابع طبیعی برای فروش نیستند دولتها ناچار متکی به دریافت مالیات ها و عوارض دیگر از اقتصاد جامعه خود هستند. یعنی برای اینکه دولت ثروتمند باشد، باید جامعه ثروتمند گردد و اقتصاد رشد یافته داشته باشد. تا دولت بتواند مالیات بیشتری دریافت کند. دولتی که از مردم مالیات دریافت می کند در ازای آن مجبور است مزایا و اقداماتی را از قبیل مدیریت خوب، شفافیت در عملکرد سیستم اداری دولت، ارائه خدمات خوب

و پاسخگو و به حد اقل رساندن فساد اداری و زمینه سازی برای رشد اقتصادی مبتنی بر رقابت مفید و واقعی بخشهای مختلف اقتصادی را تأمین نماید. همین فرایند تا حدود زیادی به تأمین آزادی ها و دمکراسی در جامعه نیز کمک خواهد کرد. که برای نمونه میتوان به کشورهایمانند هندوستان - برزیل - شیلی و ترکیه و کشورهای جنوب شرقی آسیا اشاره کرد. این کشورها علیرغم آنکه نفتی برای فروش ندارند ولی از نظر رشد اقتصادی و ثروت ملی و درآمدها در موقعیت بهتری قرار گرفته اند. ولی برعکس کشورهای نفت خیز از نظر اقتصادی چیز زیادی از مردم نمی خواهند و از نظر سیاسی چیز زیادی را به مردم خود نمی دهند. این دولت ها به نوع خاصی از دربارهای مستبدی که قدرت سیاسی و اقتصادی جامعه را بلعیده اند، تبدیل شده اند. خواه نا خواه وجود چنین وضعیتی در یک مقطع زمانی معین منجر به بوجود آمدن انفجارهای اجتماعی و انقلابها خواهد شد. یعنی آن چیزی که در کشورهای عربی اتفاق افتاده است. از نظر تاریخی در چند دهه گذشته صحنه سیاسی و اجتماعی کشورهای عربی بیشتر به یک کویر سیاسی شباهت داشته است. کشورهایی که بدون داشتن احزاب سیاسی واقعی، بدون مطبوعات آزاد و نبودن امکان دگراندیشی تنها زمینه را برای فعالیت مساجد آماده نمودند و همین مساجد در این کشورها تبدیل به امکاتی شد برای بحث و گفتگوهای سیاسی، که دولتها نمیتوانستند از فعالیت آنها جلوگیری نمایند. در نتیجه منجر به تشکیل احزاب و سازمانهایی مانند اخوان المسلمین - حماس - حزب الله و القاعده ... گردید. این سازمانها در کشورهایی اسلامی تنها به انجام تبلیغات نپرداختند بلکه آنها با استفاده کردن از کمک های مالی کشورهایمانند عربستان سعودی، امارات و ایران، فعالانه در تدارک خدمات اجتماعی به توده های مردم مانند کمک های دارویی و تأمین کار و اسکان آنها پرداختند و بدینوسیله توانستند پایگاه اجتماعی خود را گسترش دهند و در ساختار ترکیب سیاسی نیروها در کشورهای عربی در موقعیت بهتری قرار گیرند. مانند کشورهای مصر - سوریه - لیبی - تونس - عراق و دیگر کشورها. یکی دیگر از دلایل تقویت موضع اسلام گراها در کشورهای عربی عبارت است از لاینحل ماندن مسئله اشغال سرزمین های عربی از سوی اسرائیل می باشد. بخصوص اشغال قسمت شرقی شهر بیت المقدس که ماهیت این جنگ و اختلافات را با اسرائیل تا حد مبارزه ای مقدس و دینی ارتقاء داده است. در بعضی از این کشورها مانند مصر و لیبی و حتی تا حدودی تونس - یمن و عراق جامعه از سکولاریسم و تساهل و قانون مداری فاصله بیشتری می گیرد. مثل کشتار مسیحیان در مصر، عراق و سوریه و همچنین دامن زدن به جنگهای مذهبی میان پیروان اهل سنت و تشیع و تأکید اخوان المسلمین و جریانهای سلفی بر تدوین قانون اساسی در کشورهای مختلف عربی بر اساس قوانین و احکام اسلام، زمینه را بر اعمال نوعی دیگر از دیکتاتوری که مغایرت کامل با اهداف انقلاب در کشورهای عربی و همچنین رعایت حقوق بشر در زمینه تأمین واقعی حقوق اقلیتهای ملی و دینی را دارد می باشد. جهان عرب امروز میان دو گرایش، یعنی اقتدارگرایی اسلامی از یک سو و طرفداران بوجود آمدن جوامع لیبرال و سکولار گرفتار آمده است. که در نتیجه می تواند جو سیاسی آینده از خشونت و ادامه تشدید بحرانهای سیاسی را به همراه داشته باشد. در نتیجه زمینه خطرناکی را برای مداخله نیروهای ذینفع خارجی فراهم نموده است. هم اکنون جبهه ای متشکل از روسیه - چین - ایران - سوریه و عراق در مقابل جبهه ای به رهبری آمریکا و با شرکت اتحادیه عرب خلیج فارس و ترکیه در مقابل همدیگر قرار گرفته اند. اگر کشورهای عربی و مردم آنها نتوانند با درایت سیاسی و الویت دادن به منافع ملی خود مشکلات سیاسی و اجتماعی خود را حل کنند، به گروگانی بی اراده در دستهای نیروی مداخله گر خارجی که تنها و تنها در پی تأمین منافع خود می باشند، تبدیل خواهند شد. بعلاوه پروسه شروع جنگهای مذهبی میان شیعه و سنی میتواند به خطرناکترین پدیده ای تبدیل شود که برای مدت زمانی طولانی جنگ های سرد و گرمی را به خلقهای ساکن در کشورهای اسلامی تحمیل نماید. فقط آگاهی و هوشیاری توده ها و سیاستمداران مترقی آنهاست که میتواند راه گشای حل این بحران ها باشد.

مملکت را از گرانی و بیکاری نجات دهید

گرانی و بیکاری بحدی رسیده است که علاوه بر روحانیون مراجع تقلید حتی رئیس جمهور نیز مجبور شده است که افزایش قیمت ها را بپذیرد. خبرنگار این روزنامه مینویسد: رئیس جمهور در روزهای پایانی هفته گذشته با استانداران جلسه داشته و ضمن تاکید بر اجرای مرحله دوم هدفمندی یارانه ها در سال نود و یک از آنان خواسته است تا نظارت بیشتری بر بازارها داشته باشند. وزیر صنعت و معدن و تجارت به معاونان خود دستور داده است که با گرانی و گران فروشی مقابله کنند. سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان نیز مجبور شده اند با گران فروشی مبارزه کنند. لبنیات نیز یکی از کالاهایی است که قیمت آن گرانتر شده است. در جلسه دست اندر کاران مصرف کننده و تولید کننده، قرار بر این شد که قیمت شیر ۶۳۰ تومان مقرر گردد. اما این قیمت در عمل رعایت نشد و بعد از این نیز رعایت نخواهد شد. زیرا بازار قیمت ها را تعیین می کند. بازار نیز در دست سرمایه داران است که ثروت کلان را از طریق خرید فروش بدست میاورند. قیمت گذاری تنها در نظامی مورد اجرا است که اقتصاد در دست دولت قرار گیرد و سرمایه خصوصی در آن دخالت نداشته باشد.

اعتراضات مردم درباره افزایش قیمت ها بالاخره بگوش مقامات بلند پایه مذهبی و سیاسی جمهوری اسلامی رسید. این شکایات آنان را وادار کرد تا به وضعیت دشوار زندگی مردم در کشور اعتراف نمایند. تیتراژ این نوشته را از روزنامه جمهوری اسلامی (۱۳۹۱/۰۲/۰۴) به عاریت گرفته ایم. به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی، آیت الله گلپایگانی مرجع تقلید در جواب نامه یکی از مؤمنان با تاکید بر مدیریت صحیح مسئولان در بر طرف کردن درد و غصه مردم، یاد آور شده است: آیت الله گلپایگانی خطاب به مسئولان می گوید: "دعواهای سیاسی و بانوی و حزبی را کنار بگذارید و مشکل گرانی و بیکاری را بر طرف کنید." در یکی از همین نامه ها نوشته شده است: "حاجی آقا شما را به امام زمان قسم می دهیم به مسئولان بگوئید فکری برای مسئله گرانی و بیکاری مردم کنند." آیت الله گلپایگانی در رابطه با این نامه ها به مسئولان تذکر میدهد: "به امید این که انشاء الله مسئولان مربوطه با تدبیر و مدیریت صحیح بتوانند بیشتر به درد و غصه مردم توجه کنند و مملکت را از مشکل بزرگ گرانی و بیکاری نجات دهند." او توصیه می کند: "مسئولان قدر مردم همیشه در صحنه را بدانند... و به فکر مردم شریف ایران باشند."

دشواری زندگی مردم را وادار می کند تا به مراجع تقلید رجوع کنند و از آنها استمداد بخواهند تا بلکه روی سیاست های ضد ملی حکومت تاثیر گذارند و بدین طریق از گرسنگی، گرانی و بیکاری نجات یابند. اما مردم باید بدانند که سی سال است مراجع تقلید قدرت سیاسی و اقتصادی را در دست دارند. در این سه دهه هیچگونه اقدام عملی برای تغییر سیستم اجتماعی و نظام اقتصادی کشور انجام نداده اند. در این سالها زیر چتر حمایت همین مراجع عالیقدر تقلید، صاحبان ثروت، ثروتمندتر شده اند. طبیعی است این ثروت ها بوسیله استثمار بی رحمانه میلیونها زحمتکش کشور بدست آمده است. جالب است مراجع تقلید به دنبال اعتراضات شدید مردم به همین ثروتمندان توصیه می کنند که قیمت کالاهای مصرفی را بیش از این بالا نبرند و کاری انجام دهند که مردم بتوانند از امکانات شغلی استفاده نمایند.

نظام اقتصادی ایران متکی بر بازار آزاد است. یعنی دولت بر امور اقتصادی دخالت نمی کند. صاحبان کارخانه ها محصولات تولیدی خود را در بازار عرضه می کنند. در عین حال سرمایه داران سازشکار محصولات مصرفی را از خارج وارد و به قیمت دلخواه می فروشند. اکثریت مطلق مردم با فروش نیروی کار زندگی خود را تامین می کنند. اغلب محصولات کارخانه های داخلی نمیتوانند در مقابل کالاهای خارجی رقابت کنند و بدین سان این کارخانه ها ورشکست میشوند و کارگران از کار برکنار میگردند و مرتباً اردوی بیکاری افزایش میابد. بدین طریق کارگر از در آمد محروم میشود و زندگی او و خانواده اش مختل میگردد. وضع اقتصادی در ایران به حدی مشکل آفرین شده است که رئیس جمهوری نیز مجبور شده است این مشکلات را «درک» کند. روزنامه جمهوری اسلامی (۱۳۹۱/۰۲/۰۲) در این مورد مینویسد رئیس جمهور بالاخره گرانی ها را پذیرفت.



اطلاعیه فیرقه رادیوسی

راديو فیرقه دمکرات آذربایجان (فیرقه رایوسی) فعالیت خود را از سر گرفته است.

بدینوسیله آغاز فعالیت مجدد راديو فیرقه دمکرات آذربایجان (فیرقه رادیوسی) را به اطلاع ملت آذربایجان و دیگر ملت های ساکن کشور کثیرالملة ایران می رسانیم. راديو فیرقه دمکرات آذربایجان (فیرقه رادیوسی) هر هفته، جمعه ها، به وقت ایران، از ساعت ۱۹/۳۰ الی ۲۰/۳۰ (به وقت اروپای مرکزی از ساعت ۱۷ الی ۱۸) برنامه خواهد داشت و تکرار این برنامه را، یکشنبه ها، به وقت ایران، ساعت ۱۱/۳۰ الی ۱۲/۳۰ قبل از ظهر (اروپای مرکزی الی ۹ صبح) می توانید بشنوید

گرانی ۳۵ درصدی مواد غذایی در تهران

بانک مرکزی ایران اعلام نموده است که قیمت مواد غذایی در تهران نسبت به سال گذشته بیش از سی و پنج درصد افزایش داشته است. (منابع غیر دولتی این رقم را چهل و یک در صد و گروهی پنجاه در صد بر آورد کرده اند.) بنابه گزارش خبر آنلاین بیش از سی درصد درآمد سالانه هر خانواده، صرف تهیه مواد خوراکی میشود. این در حالی است که ایران به لحاظ ثروت‌های طبیعی، یکی از کشورهای ثروتمند منطقه است. و در صورت استفاده بهینه از این ثروت طبیعی، نه تنها مردم کشور می‌توانند به مواد خوراکی ارزان قیمت و با کیفیت بالا دست رسی داشته باشند، بلکه امکان صادرات محصولات کشاورزی به دیگر کشورها نیز میسر است. اما بر اساس آمارهای موجود، اکثریت مردم کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند. دولت به جای آنکه کوشش کند تا از پتانسیل موجود در کشور به سود بهبود وضع زندگی مردم سود جوید و در راستای رشد اقتصادی کشور عمل کند. هرگز در این راستا گام بر نداشته است. درآمدهای ارزی بجای اینکه برای رشد و پیشرفت در عرصه صنایع - کشاورزی و خدمات در جهت بهبود زندگی توده های مردم مصرف شود. صرف هزینه های بی ثمر و بلند پروازانه و غیر بازده از یک سو و اختلاس ها و رانت خواری های بی شمار از سوی دیگر می شود. سالهاست دروازه های ایران برای واردات اجناس خارجی نا مرغوب باز است. بخش بزرگی از این واردات از طریق غیر قانونی و بدون نظرات گمرک، توسط عناصر ذی نفوذ صورت می گیرد. در نتیجه هم بنگاههای تولیدی و هم بخش کشاورزی که قادر به رقابت با اجناس وارداتی نیستند، از گردونه خارج و ورشکست می شوند.

طبق اعتراف خود دست اندرکاران رژیم، سالانه میلیاردها دلار برای واردات مواد غذایی پرداخت میشود. به علت عدم رقابت تولیدات کشاورزی با کالاهای مشابه وارداتی خارجی، روستاییان بیکار و مجبور به ترک روستا و جهت جستجوی کار به شهرهای بزرگ کوچ می نمایند. بدین ترتیب روستاها خالی از سکنه میشوند و تولیدات کشاورزی هر سال نسبت به سال قبل کمتر میشود. هم کوچ دهقانان به شهرها و همچنین ورشکستگی کارخانه های تولیدی به تعداد ارتش بیکاران می افزاید. افزایش بیکاران و کم بود و گرانی مواد غذایی تاثیر منفی بیشتری در زندگی روزمره بخش عظیمی از مردم داشته است. در نتیجه دامنه فقر وسعت میابد و میلیونها شهروند زیر خط فقر قرار میگیرند. در این شرایط جوانان بیش از همه از بیکاری آسیب پذیر هستند. جوانان تحصیل کرده نه تنها نمی‌توانند مطابق تخصص خود کار پیدا کنند، بلکه پیدا کردن هر نوع کار دیگری برای آنان مشکل سازاست.

مردم ایران سی و سه سال قبل به خیابانها آمدند و بساط سلطنت استبدادی را برچیدند و حکومت انقلابی را سرکار آوردند. تا در زندگی آنها تغییر کیفی بوجود آید. با گذشت چند سال از انقلاب و تحولات ناشی از جنگ و غیره

دستاوردهای انقلاب با سرکوب نیروهای ارتجاعی و ضد انقلاب واقع شد. و نتیجه آن شد که امروز در کشور می بینیم. انقلابهای اخیر در کشورهای عربی نیز نشان داد که صرفاً با بر اندازی حکومت موجود، مردم نمیتواند به آزادی و زندگی مرفه دست یابند. زمانی که انقلاب با تغییر رژیم سیاسی به پایان میرسد چنانچه نیروهای انقلابی و نمایندگان زحمتکشان نتوانند در حاکمیت تاثیر گذار باشند، نه آزادی را در پی خواهد داشت و نه به سازندگی جامعه خواهد پرداخت. انقلاب ایران حکومت دینی را سرکار آورد. این مدل در کشورهای عربی بعد از سی سال مجدداً پیاده می شود. در انتخابات تونس و مصر مذهبیین اکثریت مطلق را بدست آورده اند. انقلاب ایران شصت هزار شهید و صد هزار زخمی برجای گذاشت. انقلاب در کشورهای عربی هزاران قربانی گرفت. جنگ داخلی در سوریه بیش از نه هزار انسان را به گام نیستی کشانده است. قیام کنندگان لیبی سرهنگ قذافی را کشتند و خانواده آنها نابود کردند. در این جنگ ستیزی نیروی هوایی ناتو نقش تعیین کننده ای داشت. اکنون کشور نفت خیز لیبی به یک قبرستان ویران شده تبدیل شده است. طوایف و قبایل اراضی نفت خیز لیبی را بین خود تقسیم کرده اند. تنها کشورهایی که در منطقه در آنها انقلاب رخ داده است و از ثروت نفت برخوردارند ایران و لیبی است. در آمد نفت در ایران برای سیر شدن شکم ایرانیان مصرف نمی شود. در لیبی نیز این سناریو تکرار شد. تفاوتی که در این دو کشور وجود دارد این است که در ایران بعد از انقلاب خلا قدرت بوجود نیامد. مردم ایران برای آن انقلاب کردند تا به رفاه و آزادی برسند. اما در لیبی چنین نبود. وضع زندگی مردم این کشور ثروتمند بدتر گردید. قذافی در آمد نفت و گاز را میان شهروندان تقسیم میکرد. ده ها هزار کارگر خارجی در این کشور مشغول کار بودند. یک پارچگی لیبی تامین شده بود. حالا مردم انقلاب لیبی زیر فشار نا امنی و گرسنگی رنج می برند. هر خیزش سیاسی را نمیتوان انقلاب نامید. انقلاب زمانی مفهوم واقعی بخود میگیرد که تحولات ریشه ای در اجتماع بوجود بیاید. به قول ابو نصر فارابی مدینه ضروریه را بوجود بیاورد. چنین انقلابی در دهه دوم قرن بیستم در روسیه پیروز شد. بعد از هفتاد سال این مدینه ضروریه در روسیه فرو پاشید. «نوابت» (گیاه هرز) در این مزرعه روبه رشد گذاشت و رمق گیاه حاصل خیز را مکید و آنها خشکاند. مردم روسیه که نتوانستند و یا نخواستند گیاه هرز را نابود کنند حالا مبتلای سزای غفلت عمل خود شده اند.

هم اکنون مردم کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا که خواهان تحول اساسی در سرنوشت کشور و رفاه جامعه بوده اند با دشواریهای جدیدی روبرو شده اند. گویی تاریخ تکرار می شود. سرنوشت آنان با سرنوشت مردم ایران بطور عجیبی گره خورده است.

دور دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران

میگیرد. همه این اختلافات میان جناح های محافظه کار بر سر تقسیم قدرت و ثروت کشور جنبه اصولی دارد. دولت و مجلس در کلیت خود هر دو خدمت گزار نظام اند. نظام موجود روبنای نظام اجتماعی است که به طبقاتی گوناگون تقسیم شده است. هر طبقه در این نظام منافع خواست خود را دارد. نظام حاکم در این جامعه طبقاتی نمی تواند میان طبقات استثمار کننده و استثمار شونده توازن ایجاد نماید. بنابراین این نظام نیز از لحاظ ماهوی نظامی است متکی به طبقه استثمارگر. اختلاف در میان قوای سه گانه از پایگاه طبقاتی آنها سرچشمه میگیرد. که هر جناح خواهان سهم بیشتری برای خود قائل هستند. روزنامه کیهان برای سر پوش گذاشتن به این اختلافات آنرا بگومگوها و گله گزاریهای مسئولان سه قوه از یک دیگر می نامد. این روزنامه بعنوان سخنگوی مقام رهبری به مسئولان سه قوه توصیه می کند که کنار هم بنشینند میزان درست این گله ها و انتقادها را ارزیابی کند. این روزنامه روی این اصل تکیه میکند که این بگومگوها غیر قابل توجیه و تنش آفرین است. لذا نه تنها مردم را آزرده خاطر میکند همچنین خوراکی برای دشمنان خواهد بود. البته به نظر این روزنامه زیان آور است. لیکن اظهارات تند، تیز و علنی سران قوا علیه یک دیگر به حدی شدت یافته است که کیهان نویسان با ناراحتی توصیه میکنند که سران قوا در محافل خصوصی و جلسات کارشناسی بنشینند و این اختلافات را حل و فصل نمایند. کیهان با این بیان از مخالفین احمدی نژاد جانبداری میکند به احمدی نژاد پاسخ میدهد که بنظر او قوه قضایه متهمین پرونده فساد بانکی را مورد رسیدگی دقیق قرار نداده است. به نظر کیهان نویسان رئیس جمهور باید بداند که چند تن از متهمان پرونده فساد بانکی از نقشه حلقه انحرافی در این فساد کلان پرده برداشتند.

احمدی نژاد مجلس را متهم می کند که به بهانه نظارت، مجلس در کار اجرایی کشور دخالت میکند. علی لاریجانی رئیس مجلس نیز اظهار داشت که پای بندی به قانون ضرورت دارد. آیت الله آملی لاریجانی رئیس قوه قضایه نیز گفت که همه متهمان به دادگاه نیامده اند اما دستگاه اجرایی باید بپذیرد که درون آن فساد رخ داده است. این بگومگوها که بقول کیهان از تریبونهای علنی و جلوی چشم مردم صورت میگیرد میتواند آسیب های بعضاً جبران ناپذیری در پی داشته باشد. به نظر کیهان نویسان مسئولان تصور میکنند که مشکلات را میتوان صرفاً از طریق عملیات روانی و حاشیه سازی های پی در پی حل کرد.

کیهان با «نماینده» از مردم مینویسد: بسیار از کسانی که در این دو روز با کیهان تماس گرفته اند عقیده داشتند مسئولان اگر قدمی برای حل مشکلات آنها بر نمی دارند لااقل نباید هر روز با راه انداختن یک نزاع جدید کام آنها را تلخ کنند.

اختلافات در داخل سه قوا چنان شدت یافته است که کیهان نویسان هشدار میدهند. که این رفتار با اقتضائات شرایط حساس کنونی کشور بویژه الگو بودن ایران در بیداری اسلامی در منطقه و همچنین ضرورت حفظ اجماع ملی تا مذاکرات بغداد و مذاکرات ما بعد آن، تعارض جدی دارد.

روز جمعه پانزدهم اردیبهشت ماه انتخابات میان دوره ای مجلس شورای اسلامی بر گزار می شود. مجلس شورای اسلامی ایران مرکب از دویست و نود نماینده می باشد. در انتخابات اسفند ماه سال گذشته دویست و بیست و پنج نماینده وارد مجلس شدند. انتخاب شصت و پنج نفر دیگر به دور دوم کشیده شد.

اکنون دست اندرکاران حکومت، مردم را دعوت کرده اند تا در انتخابات میان دوره ای بشکل فعال شرکت نمایند. تا به اصطلاح دین ملی خود را ادا نمایند.

پارلمانتاریزم در ایران بیش از یک قرن سابقه دارد. ایران در میان کشورهای آسیا اولین کشوری است که سیستم پارلمانتاریزم را تجربه کرده است. اما بعلمت عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی کشور و حاکمان مستبد، مجلس نتوانسته است به شکل واقعی، به وظایف خود عمل کند. بعد از کودتای اسفند ماه هزار سیصد نود و نه، قوه مقننه و قوه قضایه تحت تأثیر قوه مجریه قرار گرفت. از آن پس هر لایحه ای که دولت به مجلس ارایه میکرد، بدون چون چرا مورد تصویب نمایندگان قرار میگرفت. بعد از سقوط رضا شاه و تغییر نسبتاً دمکراتیکی که در فضای کشور ایجاد شده بود، مجلس شورای ملی چند سالی کم و بیش مستقل عمل می کرد. بعد از کودتای بیست و هشت مرداد سال سی و دو اوضاع کشور به سود استبداد و بر علیه مردم دگرگون شد. محمد رضا پهلوی که با حمایت امپریالیستهای آمریکا و انگلیس به قدرت برگشته بود. آزادی های دمکراتیک راسرکوب و مجلس را تحت قیادت خود در آورد. یک بار دیگر مجلس مانند دوران رضا شاه پدر از استقلال محروم گردید. بعد از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ دوباره پارلمانتاریزم جایگاه خود را در میان مردم پیدا کرد و بعنوان یک ارگان قانونگذار از آزادی عمل نسبی برخوردار گردید. مردم با آزادی بیشتری در انتخابات شرکت میکردند و به نامزدهای دلخواه خود رای میدادند. مجلس بعد از انقلاب برخلاف سالهای حکومت پهلوی از حق آزادی بحث و بررسی لوائح و تصویب قوانین برخوردار گردید. فضای مجلس شورای اسلامی دوره ششم که اکثریت آن را اصلاح طلبان تشکیل میدادند از آزادی های بیشتری برخوردار بود. تا جایی که در پاره ای از مواقع نظر مجلس با نظر شورای نگهبان (نماینده ولی فقیه) در تقابل قرار می گرفت. اصلاح طلبان قوانینی را به تصویب میرساندند که خوشایند شورای نگهبان قرار نمی گرفت. و جهت اصلاح به مجلس برگردانده میشد. در این باره مجمع تشخیص مصلحت نظام نقش میانجیگری را به عهده میگرفت و قوانینی که مجلس و شورای نگهبان بر سر آن به توافق نرسیده بودند، بررسی و اغلب به نظریات نمایندگان مجلس صحنه میگذاشت. بعد از پایان حکومت اصلاح طلبان و سرکار آمدن احمدی نژاد، محافظه کاران اکثریت مجلس را در اختیار خود گرفتند. بدین سان هم مجلس هم دولت در یک راستا قرار گرفتند و محافظه کاران قوای مقننه و مجریه را به انحصار خود در آوردند.

با این همه مجلس در جمهوری اسلامی تا حدودی در تصویب قوانین استقلال عمل دارد. وزرای دولت را استیضاح میکنند. با رئیس قوه مجریه در رویاروی قرار

منازعه کنیم، سر مسائل گوناگون- مسائل سیاسی، مسائل اقتصادی، مسائل شخصیتی- دست به یقه شویم، دشمن ما جری میشود. یک مقدار از جرأتی که دشمن در سالهای گذشته پیدا کرد، به خاطر اختلاف بود...» در چنین شرایطی «دلها را به هم نرم کنید، برخوردها نسبت به یک دیگر مهربانانه تر کنید». کیهان در پایان این «نصایح» و نقل قولها مقاله خود را با این جمله تمام می کند. «مردم اکنون در انتظارند تا ببینند مسئولان چه زمانی به این توصیه های حکیمانه گوش فرا خواهند داد. بر خلاف ادعای کیهان نویسان اختلافات درونی در دستگاه های حاکمه پایه عینی دارد. وبا نصایح قابل حل نیست. در جامعه طبقاتی دولت منافع طبقات حاکمه را مورد حمایت قرار میدهد. حق طبقات محکوم و مظلوم در چنین جامعه پایمال میشود. اعتراضات مردم علیه سیاست ستمگرانه طبقه حاکمه شدت میابد. و این اعتراضات در سطح حکومتی منعکس میگردد. و تمام ارگانها از جمله نمایندگان مجلس را هر چند فرمایشی هم انتخاب شده باشند، در بر میگیرد. بدین ترتیب نه تنها میان دولت و ملت بلکه میان جناح های حکومتی نیز اختلافات شدت میابد. و در نتیجه ثبات سیاسی کشور به هم میخورد. چنانکه چنین اختلافاتی در جهان عرب نهایتاً به درگیری میان حکومت و ملت منجر شد.

دور دوم انتخابات...

کیهان ادامه میدهد... به نظر میرسد برخی دست ها و جریانهای خاص در داخل نیز هدفی جز تنش آفرینی و به هم ریختن آرامش جامعه برای خود قائل نیستند.

با این هشدار میتوان پی برد چه طوفانی است در دریا. رهبر انقلاب نیز در این مورد موضع گیری کرده و به این «نتیجه» رسیده است که «تاریخ بشر بر سر یک پیچی بزرگ تاریخی و در آستانه تحولی عظیم است. بشریت از همه مکاتب و ایدئولوژیهای مادی اعم از مارکسیسم، لیبرال دمکراسی و ناسیونالیسم سکولار عبور کرده و در آغاز دوران جدیدی است که بزرگترین نشانه آن توجه ملت ها به خدای متعال، استمداد آنها از قدرت لایزال الهی و اتکای ملت ها به وحی است».

با این بیانات میتوان حدت زد که اعمال قدرت آقایان با بن بست روبرو است. بی جهت نیست که رهبر انقلاب در سخنان خود در روزهای آغازین سال ۱۳۹۱ میگوید: افزایش اختلافات باعث امیدواری دشمن میشود. «عزیزان من! برادران! خواهران! در سراسر کشور، امروز ما احتیاج داریم به اتحاد و یک پارچگی، بهانه های اختلاف زیاد است... اگر

افزایش نرخ بیکاری

سایت کلمه در تاریخ چهارم اردیبهشت ۱۳۹۱ می نویسد: در سال گذشته صد هزار کارگر بعلت واردات غیر مجاز و بی رویه و اجرای بی ضابطه هدفمند کردن یارانه و بی کیفیتی مسئولان اقتصاد کشور از کار اخراج شدند. این رقم زمانی ارائه میشود که دولت مدعی است که دو میلیون شغل در سال گذشته ایجاد شده است. این ادعا با وضعیت بحرانی واحدهای تولیدی و افزایش تعداد اخراج کارگران مغایرت دارد. کارشناسان اقتصادی افزایش نرخ بیکاری را بیش از بیست درصد اعلام میکنند. رسانه های گروهی هر روز اخبار فروانی از اخراج و بیکاری کارگران واحدهای مختلف منتشر میکنند. گرانی لجام گسیخته کارگران را زیر خط فقر قرار میدهد. هر روز احتیاج کارگران به مایحتاج زندگی دچار میشوند. دبیر کل خانه کارگر میگوید: بحران واحدهای تولیدی را فرا گرفته است. چنانچه در سال گذشته صد هزار کارگر در بیش از یک هزار واحد تولیدی اخراج شدند. زنان بیکار دو برابر مردان بیکار هستند. در بسیار واحدهای بزرگ قالببافی دو سوم مزد مصوب شورای عالی کار را

در یافت میکنند. اما به دلیل ترس از دست دادن شغل از شکایت صرف نظر میکنند. رئیس خانه کارگر خواستار آن است که تعداد بازرسی کار در واحدهای تولیدی افزایش یابد. اما مجلس زیر بار این پیشنهاد نمیرود. یک کارشناس اقتصادی میگوید: به دلیل وضعیت بحرانی واحدهای تولیدی و افزایش نرخ بیکاری نرخ خط فقر به هشت صد هزار تومان رسیده است. به نظر این کارشناس ارائه آمارهای اشتغال زا از سوی دولت جنبه سیاسی دارد. و این آمارها جعلی است. نرخ بیکاری در شرایطی در حال گسترش است که رهبر انقلاب از دست اندرکاران اقتصادی خواسته است که از کار و تولیدی ملی حمایت شود. اما برخلاف خواست رهبر واردات کالاهای بی رویه به داخل کشور همچنان ادامه دارد. در چنین شرایطی است که تولیدات ملی و اقتصاد ملی به نابودی کشانده میشود. کشور به بازار سرمایه های بین المللی میدل میشود. تعداد بیکاران افزایش میابد وضع زندگی مردم بدتر میگردد. تا کی این وضع ادامه خواهد داشت؟

مانود و نه درصد هستیم

پلیس صاحبان این خانه ها را که در مقابل بانک ها تجمع کرده بودند، سرکوب کردجنش نود و نه درصدی برای بازگرداندن خانه های مصادره شده، مبارزه میکند. جان بوهرنر رئیس مجلس نمایندگان آمریکا در مصاحبه شبکه تلویزیونی فاکس نیوز گفت. امروز آمریکا به مرحله ای رسیده که بحران اقتصادی، بیکاری و تورم زندگی را بر مردم بسیار سخت کرده است. او تصریح کرد که برخلاف وعده های اوباما بحران مسکن در آمریکا همچنان ادامه دارد.

آمریکا در آستانه انتخابات ریاست جمهوری است. در این انتخابات جمهوریخواهان بحران مسکن را به یکی از بزرگترین حربه ها علیه دمکرات ها تبدیل نموده اند. آنها میخواهند با تحریک مردم آمریکا علیه دمکرات ها، به هدف خود که تسخیر کرسی ریاست جمهوری است نایل آیند. تا بدین وسیله در تحکیم موقعیت یک درصدی ها بیشتر قرار گیرند. حزب جمهوریخواهان، حزب الیگارشلی مالی و صنعتی است. این حزب برخلاف حزب دمکرات، همیشه سنگینی بار مالیات را بیشتر بر دوش شهروندان عادی آمریکا میگذارند.

«ماهی از سر گنده گردد نی زدم» این مثال معروف را میتوان در مورد آمریکا نیز بکار گرفت. سرمایه داری نیز مانند ماهی از سر در حال گندیدن است. فساد این گندیدگی همه تارپود سرمایه داری را در بر گرفته و شرایط را برای تغییر ماهیت این نظام پوسیده فراهم کرده است. زیرا تضاد میان کار و سرمایه در طول سالهای اخیر به تضاد میان یک درصدی ها با نود و نه درصدی ها فراروینده است.

قانونمندی رشد اجتماعی یا بشکل مرحله تکامل و یا بشکل جهش های انقلابی نظام اجتماعی را مورد تغییر و تحول قرار میدهد. قرن بیست و یک، قرنی است که تکامل اجتماعی توأم با تکامل انقلابی در راستای حل تضاد نود و نه درصدی ها با یک درصدی ها قرار گرفته است. این قانونمندی در آمریکای لاتین از بالا و در کشورهای عربی از پائین شروع شده است. در غرب (اروپا، آمریکا) نیز به شکل مسالمت آمیز از پائین آغاز گردیده. دلیل آن این است که همه مردم جهان زیر فشار استثمار یک درصدی ها رنج میبرند. بنابراین جبهه ای متشکل از نود و نه درصد مردم جهان، آگاهانه خواهان تغییر ماهوی جامعه ای هستند که به استثمار شدید از انسان متکی است.

حامیان جنبش وال استریت در شهر سانفرانسکو تظاهراتی راه انداختند. در این تظاهرات شعارهای ضد سرمایه داری سر می دادند. آنها می گفتند: یک درصد اهالی آمریکا ثروت همه مردم را از آن خود ساخته است. بنابراین باید این یک درصد از قدرت اقتصادی و سیاسی کنار رود. بعبارت دقیق تر این سیستم سرمایه داری سرنگون گردد. پلیس سانفرانسیسکو علیه تظاهر کنندگان دست به حمله زد. و تظاهر کنندگان را سرکوب نمود. تظاهر کنندگان در مقابل ساختمان محل برگزاری جلسه سالانه سهامداران بانکی آمریکا جمع شده بودند. و آنها علیه بی عدالتی های حاکم بر آمریکا شعار میدادند. پلیس با اقدام بی رحمانه، جلوی این تظاهرات را گرفت. در جریان این حمله بیست و چهار نفر دستگیر و به پلیس منطقه برده شدند. به گفته پلیس پانزده نفر از تظاهر کنندگان جزء کسانی بودند که سعی داشتند جلسه سهامداران بانکی آمریکا را مختل نمایند. در جریان این تظاهرات صدها تن از اعضای اتحادیه ها و روحانیون نیز حضور داشتند. تظاهر کنندگان مقابل ساختمان بورس در منطقه مالی شهر سانفرانسیسکو تجمع کرده و نمادهایی در دست داشتند که در آن نمادها نوشته شده بود. «نود و نه درصد پیروز خواهد شده و یک درصد را سرنگون میکند». آنها شعار میدادند: «رونق برای مردم، مرگ بر بانکداران» تظاهر کنندگان آمریکائی می گفتند بگذارید تا وارد ساختمان شویم.

بحران اقتصادی آمریکا که از حدود چهار سال پیش آغاز شده، تاکنون باعث از دست رفتن بسیاری از خانه های مردم این کشور شده است. در واقع بانکهای آمریکائی برای مقابله با این بحران اقدام به مصادره خانه های مردمی میکنند که از باز پرداخت بدهی خود به بانک ها عاجزند. این امر خشم نارضیان را برانگیخته است.

در کشور ثروتمند آمریکا شصت میلیون نفر سرپناهی برای زیستن ندارند. چهل و چهار میلیون نفر آمریکائی زیر خط فقر زندگی میکنند. بحران مالی که از چهار سال قبل آغاز گردید، نخست گریبانگیر همین بانکها شد. بسیاری از همین بانکها ورشکست شدند. دولت آمریکا به حساب مالیات دهندگان و با پرداخت صدها میلیارد دلار به موسسات مالی از جمله بانکها از ورشکستگی آنها جلوگیری کرد. اکنون نیز بیرون راندن مردم از خانه های خود شکل وسیعی بخود گرفته است.

نهم ماه مه روز پیروزی

عارف صفا

الاجاق قوینونا آل سحر منی

منیم نیسگیلیمین سونو گورونمور
 هارایا آپاریر نیسگیلیر منی؟
 اوره گیم انله بیل سوسور دویونمور،
 بوغور کنجه گوندوز درد، قهر منی.

کونلوموز هر کسه آچا بیلیمیرم،
 دنیادان بیر یوللوق کوچه بیلیمیرم،
 داغلارین باشینا اوچا بیلیمیرم.
 سالییر کمندینه دره لر منی.

عارف، بیر گون کونلوم آچیلجاقدیر،
 اوستومه شفقلر ساچیلجاقدیر،
 بو باغلی قاپیلار آچیلجاقدیر،
 الاجاق قوینونا آل سحر منی

۲۰۱۲

آختاریرام

بیر ویجدان آختاریرام
 گونش کیمی لکه سبیز،
 قیزیل کیمی تر - تمیز.
 بیر ویجدان آختاریرام.
 آنا سودو تک تمیز.
 اونون همدی اولسون
 ایشیمیز، عمالیمیز.
 بیر وجدان آختاریرام
 حقیقتین سیرداشی،
 سعادتین بولداشی.
 بیر وجدان آختاریرام
 آخار سولار تک دورو،
 یره، گویه سیغماسین
 اونون مردلیک قورورو.
 بیر ویجدان آختاریرام
 آزادلیغین همدی
 سیلسین اوره گیمیزدن
 بو نیسگیلی بو قمی

۲۰۱۲

مردم اروپا هر سال نهم ماه مه را بعنوان روز پیروزی جشن میگیرند. امپراطوری آلمان در جنگ جهانی اول شکست خورد. ناسیونالیست های آلمان از این شکست ناخرسند شدند. در سالهای هزار و نه صد و سی ناسیونال سوسیالیستها در صحنه سیاست آلمان ظهور پیدا کردند. با شعار آلمان «فوق همه ملتها» جوانان این کشور را دور هم جمع کردند به یک قدرت سیاسی مبدل گردیدند. هزار نوصد سی و سه حکومت بدون مانعه در دست ناسیونال سوسیالیستها قرار گرفت. در عرض هفت سال تمام اروپا از فرانسه گرفته تا لهستان تحت اشغال نیروی های آلمانی قرار گرفت. هیتلر با استفاده از موقعیت «مناسب» به اتحاد شوروی حمله برد. او میخواست با این حمله برق آسا شوروی را به زانو در آورد و سروری بر جهان را از آن خود سازد. اما هیتلر در این محاسبه اشتباه کرده بود. حمله ارتش آلمان در نزدیکی مسکو متوقف شد. آلمانیها مجبور شدند تحت فشار ارتش شوروی عقب نشینی کنند. و شکست نهائی آلمانیها نیز از همینجا آغاز گردید. دومین شکست آلمان در جبهه استالینگراد رخ داد. گرچه شهر استالینگراد به شهر ویرانه مبدل گردید. اما ارتش شوروی توانست این شهر را محاصره کند و ارتش آلمان را مجبور به تسلیم نماید. سومین بار آلمانیها در جبهه کورسک شکست خوردند. و این شکست موجب آن شد که آلمانیها پشت سر هم عقب نشینی کنند و این عقب نشینی تا آوریل چهل و پنج ادامه داشت و نهایت آلمانیها در برلین در مقابل ارتش شوروی تسلیم شدند. در همه این سالها شوروی ها یک تنه با آلمانی می جنگیدند. آمریکا و انگلیسها حاضر نشدند در غرب اروپا جبهه دوم را باز کنند. آنها تنها زمانی اقدام به باز کردن جبهه دوم نمودند که ارتش شوروی در خاک آلمان مشغول جنگ بود. با این همه ارتش آلمان در جبهه غرب به نیروی متفقین حمله برد و آنها را عقب راند. چرچیل در ژانویه چهل و پنج از استالین خواست حمله ارتش شوروی در اسرع وقت آغاز گردد. و بدین وسیله آلمانیها مجبور شدند نیروی عظیم از ارتش خود را از جبهه غرب به جبهه شرق منتقل نمایند. راه برای پیشروی نیروهای متفقین در غرب باز گردد. بدین ترتیب آلمان با شکست روبرو شد و در این شکست ارتش شوروی نقش تعیین کننده ایفا نمود. از این تاریخ هر سال نهم ماه مه در شوروی و اکنون در کشورهای مشترک المنافع بعنوان جشن سرور برگزار میگردد. یاد بود این روز ضرورت تاریخی دارد. زیرا مردم اروپا هشتاد و شش سال است بدون جنگ و درگیری نظامی بشکل آرام زندگی میکند. با این همه کابوس جنگ در سراسر دنیا در حال حرکت است. وارثین هیتلر یوگسلاوی را ویران کردند. افغانستان و عراق را به ویرانی مبدل نمودند. و اکنون هم ایران در نوبه است. آمریکا بعنوان تنها ابرقدرت جهان ایران را مورد تهدید قرار میدهد که اگر خواستههای او عملی نشود حاضر است ایران را نیز ویران نماید. ولی باید آمریکا و هم پیمانان آن بفهمند که شکست آلمان در جنگ جهانی درس عبرتی است برای همه دولتهای که میخواهند با توسل به جنگ به اهداف جهانخارانه خود دست یابند.

با و عظم و موعظه نمیتوان جلوی گرانی را گرفت

پردازان آنان بدرستی میفهمند که با جلوگیری از بالا رفتن قیمت ها نمیتوان خصلت درندگی صاحبان سرمایه را تغییر داد. سرمایه بحساب استنثار میلیونها انسان بدست میاید و در دست گروه کوچک متمرکز میشود. در آمریکا و اروپا آزادیهای دمکراتیک امکان میدهد مردم به خیابانها بیایند و اعتراض خود را علیه صاحبان یک درصد صاحبان سرمایه بیان نمایند. چادر بزنند. متحصن شوند. و اعتراضات خود را بیان کنند. و سرنگونی صاحبان سرمایه را خواستار شوند. مردم ایران از چنین آزادی برخوردار نیستند. و بنابراین آمدن آنان به خیابانها به معنای آن است که ماشین قدرت بکار آفتد و ده ها انسان بی گناه را به خاک و خون بکشند. و ده ها و صدها نفر از معترضین در سیاه چالهای زندان مخوف مورد شکنجه جسمی و روحی قرار گیرند.

جهان به دو قطب ثروت و فقر تقسیم شده است. در یک قطب رشد یافته مردم با فشار سیاسی روبرو نیستند. و نظرات خود را بشکل آزادانه بیان میکنند. در قطب دیگر آزادی بیان وجود ندارد، مردم اعتراض خود

را با قیامهای مسلحانه بگوش جهانیان میرسانند. بیش از یک سال است جهان عرب را جوش و خروش انقلابی فرا گرفته است. قدرتمندان دیکتاتور یا پا به فرار گذاشتند و یا پشت میله های آهنین بسر میبرند. محمد رضا شاه دیکتاتور بیش از سی سال قبل با چنین سرنوشتی روبرو گردید.

نظریه پردازان جامعه سرمایه داری وابسته ایران نمیتوانند میلیونها انسانی آسیب پذیر و مستضعف را با وعظ موعظه آرام کنند. و آنها را در تبعیت از صاحبان ثروت و قدرت یک درصدی نگاه دارند. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در پایان نامه خود از رئیس جمهور تشکر می کند و اقدامات اخیر دولت را در ارتباط با نظارت و مهار این گرانی ها مورد تایید قرار می دهد. بدین وسیله جامعه حوزه علمیه قم روی واقعیت ها پوشش میگذارد...

مردم ایران با مشکلات عدیده روبرو است. گرانی عمده ترین مشکلی است که حل آن با وعظ و موعظه امکان پذیر نیست. رسانه های گروهی ایران در مورد این مشکل قلم فرسایی میکنند و راه های متعددی را برای حل این مشکل ارائه میدهند. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نامه ای به رئیس جمهور نوشته و از وی خواسته است با بهره گیری از نظارت کارشناسان اقتصادی جلوی گرانی ها و افزایش قیمت ها را بگیرد. این نامه را آیت الله یزدی رئیس شورای عالی جامعه مدرسین امضا کرده است. در این نامه خطاب به محمود احمدی نژاد گفته میشود. با سلام و آرزوی موفقیت برای جناب عالی و همه خدمت گزاران به نظام مقدس جمهوری اسلامی به اطلاع میرساند. گزارشهای اصله و شواهد موجود طی چند ماه اخیر موج نسبتاً عظیمی از گرانی متوجه کالاهای اصلی مورد نیاز مردم شریف ایران شده است. و مشکلات و نارضایتی در حدی گسترده را بوجود آورده است. بطوری که مراجع معظم تقلید و علما اعلام... نیز نسبت به این مسئله ابراز نگرانی فرمودند.

نارضیاتی گسترده مردم از وضع موجود آیت الله یزدی را ناراحت نموده و از رئیس جمهور میخواهد نگرانی های مراجع تقلید را با نظارت به قیمت ها از میان بر دارد. آیت الله یزدی را تنها مشکلات و نارضیاتی مردم نگران نمی کند. به نظر او چنانچه گرانی ها تداوم پیدا کند بیم آن میرود که افشار آسیب پذیر و مستضعف جامعه اسلامی... با معضلات جدی مواجه شود. روحانیون همچون آیت الله یزدی سی سال است در راس قدرت سیاسی و اقتصادی ایران قرار دارند. بقول خود ایشان افشار آسیب پذیر جامعه که صاحبان اصلی انقلاب هستند بار سنگین مشکل گرانی را بردوش گرفته اند. افشار آسیب پذیر چند درصد اهالی هفتاد میلیونی ایران را تشکیل میدهند. آنها یعنی نود و نه درصد اهالی هفتاد میلیونی ایران در برابر یک درصد صاحبان قدرت و ثروت قرار گرفته اند. سرمایه داری وابسته ثروت و قدرت کشور را در دست خود قبضه نموده است. ثروتمندان ایران و نظریه

Azərbaycan qəzeti

5- ci dövr 90- ci nömrə. May 2012

Baş redaktor. Əmirəli Lahrudi

www.adf – mk. az

باش رداكتور: امير علی لاهرودی

قزنت تحريريه هئيتي طرفيندن نشر اولونور

قزنتين آرتيريپ، ياييمي آزاددير

E- mail info @ adf – mk az